

حال (قید حالت)

برخی کلمات در جمله، حالت یک اسم را هنگام وقوع فعل نشان می‌دهند، به این نوع کلمات، در فارسی «قید حالت» و در عربی «حال» می‌گوییم. قید حالت به صورت «اسمی نکره» یا «جمله» می‌آید و حالت مرجع خودش را که معرفه (دارای «أل» یا «عَلَم») است بیان می‌کند.

إِسْتَعْلَ مَنْصُورٌ فِي الْمَرْزَعَةِ نَشِيطاً

مرجع حال (مفرد و مذکر) حال (قید حالت)

نکته:

۱ در زبان عربی، قید حالت بیشتر در انتهای جمله می‌آید.

۲ در بیشتر موارد، قید حالت با مرجع حال، از لحاظ جنس و تعداد مطابقت می‌کند؛ مانند:

وَقَفَ الْمُهَنْدِسُ السَّابُّ فِي الْمَضْعِ مُبْتَسِماً

مرجع حال (مفرد و مذکر) حال (مفرد و مذکر)

رَجَعَ الْأَعْبُونَ الْإِيرَانِيُونَ مِنَ الْمَسَابِقَاتِ مُبْتَسِمِينَ

مرجع حال (جمع و مذکر) حال (جمع و مذکر)

قَامَتْ هَاتَانِ الْبِنَاتَانِ بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتَرْنَتِ مُبْتَسِمَتَيْنِ

مرجع حال (مثنی و مؤنث) حال (مثنی و مؤنث)

خارج از جوده

حال

حال همان قید حالت فارسی است و بر دو نوع می‌باشد:

۱- حال مفرد (یعنی جمله و شبه جمله نباشد، فقط یک اسم باشد).

۲- حال جمله

حال مفرد

حال مفرد: اسمی است نکره، مشتق و منصوب، که برای بیان حالت فاعل، مفعول یا نائب فاعل به کار می‌رود.

حال، جزو ارکان اصلی جمله نیست و در جواب «كَيْفَ» می‌آید.

ذوالحال (صاحب حال): اسمی است که حال به آن برمی‌گردد.

يَنْقِي إِبْرَاهِيمَ وَحِيداً: ابراهیم، تنها می‌ماند.

ذوالحال حال مفرد

لَا تَأْتِي اللَّحَظَاتُ مُتَأَخَّرَةً أَوْ مُتَقَدِّمَةً

ذوالحال حال مفرد

۳ ذوالحال معرفه است. (اسم علم «خاص» حتی اگر تنوین هم بگیرد معرفه است؛ مانند: عَلِيٌّ، مُحَمَّدٌ)

۴ هر اسمی می‌تواند چندین حال داشته باشد: **ذَهَبَ التَّلْمِيذُ مَاشِياً ضَاحِكاً نَاجِحاً** (ماشياً ضاحكاً ناجحاً حال و التلميز ذوالحال است).

۵ حال از لحاظ «جنس و عدد» با صاحب حال مطابقت دارد:

كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ جَلَسُوا أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ: اعضای خانواده، با اشتیاق جلوی تلویزیون نشستند.

ذوالحال (جمع مذکر) حال (جمع مذکر)

الْأَعْبَاتُ الْإِيرَانِيَاتُ رَجَعْنَ مِنَ الْمَسَابِقَاتِ فَرِحَاتٍ: ورزشکاران ایرانی با خوشحالی از مسابقات برگشتند.

ذوالحال (جمع مؤنث) حال (جمع مؤنث)

۴ در مثال‌های بالا، کلمات **مُشْتاقِينَ** و **فَرِحَاتٍ** حال مفرد به حساب می‌آیند چون اسم هستند و جمله نیستند. (حال مفرد یعنی این‌که حال به صورت اسم آمده باشد؛ نه این‌که مثنی یا جمع نباشد).

۴ بعضی کلمات، ویژگی‌های ظاهری حال را دارند ولی حال نیستند. چون جزء اجزای اساسی جمله‌اند. مثلاً در جمله **كَانَ عَلِيٌّ رَاكِبًا**، **رَاكِبًا** با این‌که مشتق، منصوب و نکره است ولی حال نیست، چون خبر است. [می‌توان حال را حذف کرد بدون این‌که ساختار جمله ناقص شود؛ یعنی اگر حال را حذف کنیم، ساختار اصلی جمله باقی می‌ماند].

حال جمله (جمله حالیه)

جمله حالیه: جمله‌ای است که به اسم معرفه‌ای برمی‌گردد و حالت آن اسم را بیان می‌کند.

شَاهِدْنَا الْحَجَّاجَ فِي قِسْمِ الْإِنْتِظَارِ وَ هُمْ يَهَيِّتُونَ أَنْفُسَهُمْ لِلذَّهَابِ نَحْوَ الطَّائِرَةِ: حاجی‌ها را در قسمت انتظار دیدیم در حالی که خود را برای رفتن به سمت هواپیما آماده می‌کردند.

اگر حال، جمله اسمیه باشد، قبل از آن «و» می‌آید که به آن واو حالیه می‌گویند. **جاء عليٌّ و هو ضاحِكٌ.**

* در ترجمه جمله حالیه «در حالی که؛ که» را می‌افزاییم و فعل جمله حالیه را مطابق سیاق جمله [معمولاً به ترتیب زیر] ترجمه می‌کنیم:

فعل اصلی	+	فعل جمله حالیه	=	ترجمه
۱ ماضی	+	ماضی	=	ماضی + ماضی بعید یا ماضی ساده
۲ ماضی	+	مضارع	=	ماضی + ماضی استمراری
۳ مضارع	+	مضارع	=	مضارع + مضارع اخباری

مثال ۱: **خَرَجَ الْمُعَلِّمُ وَ هُوَ قَدْ عَلَّمَنا أَشْيَاءَ كَثِيرَةً:** معلم خارج شد در حالی که مطالب بسیاری را به ما آموخته بود (آموخت).

مثال ۲: **جاءتِ الْمُعَلِّمَةُ وَ هِيَ تَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ:** معلم آمد در حالی که به زبان عربی سخن می‌گفت.

مثال ۳: **يذهبُ الْمُعَلِّمُ وَ هُوَ يَضْحَكُ:** معلم می‌رود در حالی که می‌خندد.

یادآوری ترجمه جمله وصفیه:

* در ترجمه جمله وصفیه «که» را می‌افزاییم و خود فعل جمله وصفیه را مطابق نیاز جمله [معمولاً به ترتیب زیر] ترجمه می‌کنیم:

فعل اصلی	+	فعل جمله وصفیه	=	ترجمه
۱ ماضی	+	ماضی	=	ماضی + ماضی بعید یا ماضی ساده
۲ ماضی	+	مضارع	=	ماضی + ماضی استمراری
۳ مضارع	+	مضارع	=	مضارع + مضارع التزامی یا مضارع اخباری

مثال ۱: **اِشْتَرَيْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ:** کتابی را خریدم که آن را در کتابخانه مدرسه دیده بودم (دیدم)

مثال ۲: **سَمِعْتُ نِدَاءَ بَدْعُونِي إِلَى الصَّدَقِ:** ندایی را شنیدم که مرا به صداقت فرا می‌خواند

مثال ۳: **أَفْتَشُّ عَنِ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ:** دنبال کتابی می‌گردم که مرا در فهم متون یاری کند

۱ **يا أولادي! أسلمتم طائعين:** ای فرزندانم! به میل خود اسلام آوردید.

طائعين: حال مفرد؛ مرجع حال: ضمیر بارز **تم** در **أسلمتم**

۲ **يذهبُ الطَّالِبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ماشياً:** دانش‌آموز، پیاده به مدرسه می‌رود. **ماشياً:** حال مفرد؛ مرجع حال: **الطَّالِبُ**

۳ **الْمُؤْمِنَاتُ يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ شاكِرَاتٍ:** زنان مؤمن با حالت شکرگزاری وارد بهشت می‌شوند.

شاكِرَاتٍ: حال مفرد؛ مرجع حال: ضمیر بارز «ن» در **يَدْخُلْنَ**

۴ **لا تأكلِ الطَّعامَ ساخناً و لا تشربِ الماءَ بارداً:** غذا را داغ نخور و آب را سرد ننوش.

ساخناً: حال مفرد و منصوب؛ ذوالحال: **الطَّعامُ؛ بارداً:** حال مفرد؛ مرجع حال: **الماءُ**

۵ **و سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ و الْقَمَرَ دائِبين:** و خورشید و ماه در گردش را، برای شما مسخر کرد.

دائِبين: حال مفرد؛ مرجع حال: **الشَّمْسُ و الْقَمَرُ**

سؤالات درس دوم

سؤالات واژگان

- ٢٣١- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «بَيِّتٌ مِنْ بُيُوتِ الْأَعْرَابِ فِي الصَّيْفِ؛ يُصْنَعُ مِنَ الْقُطْنِ وَالْقُمَاشِ».
- (١) الْمَعْمَل (٢) الْمَصْنَع (٣) الْخَيْمَة (٤) الْمُخْتَبَر
- ٢٣٢- عَمَّ يَتَكَلَّمُ النَّصُّ؟ «جِهَازٌ إلكترونيٌّ يَتَلَقَّى صَوَرَ بَرَامِجٍ وَ أَفْلامٍ بِوِاسِطَةِ مَوْجَاتٍ كَهْرَبائيَّةٍ».
- (١) مُسَجِّلُ الصَّوْتِ (٢) التَّلْفَاز (٣) المُشْكَاة (٤) الكَهْرَبَاء
- ٢٣٣- عَيْنُ الْمُرَادِ مِنَ الْجُمْلَةِ: «قِطْعَةٌ مُسْتَمْرَةٌ مِنَ الْحَرَكَةِ تَقَعُ فِي مَنْظَرٍ وَاحِدٍ مِنْ فِلمٍ سِينِمائيٍّ أَوْ غَيْرِهِ».
- (١) الْمُشْهَد (٢) الْمُسْتَعْرِ (٣) الْمُسْتَنْقَع (٤) الْمَمْرَض
- ٢٣٤- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «أَعْلَى الْجَبَلِ».
- (١) الْقِيَمَة (٢) الْقِيَم (٣) الْقِيَمَة (٤) الْقَائِمَة
- ٢٣٥- مَا هُوَ الْمُرَادُ مِنْ هَذِهِ الْجُمْلَةِ: «بِنَاءٌ مَجْهَزٌ بِتَجْهِيزَاتٍ مُرْتَبَةِ فِي أَرْضٍ مُسَطَّحَةٍ لِصُعُودِ الطَّائِرَاتِ أَوْ هُبُوطِهَا».
- (١) الْجَمَارِكِ (٢) الْمَطَار (٣) الشَّارِعِ (٤) الْجِسْرِ
- ٢٣٦- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِمَفْهُومِ الْجُمْلَةِ: «الْقِيَامُ بِالسِّيَاحَةِ فِي الْأَمَاكِنِ التَّارِيخِيَّةِ».
- (١) الْمُجَادَلَة (٢) الْجَوَال (٣) الْجَوْلَة (٤) الْحَرَج
- ٢٣٧- عَيْنِ الْخَطَأِ: «مَنْ يَذْهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ؟»
- (١) الْمُتَفَرِّجُونَ (٢) الْغِزْلَانُ (٣) الْحَكَمُ (٤) اللَّاعِبُونَ
- ٢٣٨- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «سَيَّارَةٌ تَحْرُكُ آلَةَ الْحَرْثِ وَ غَيْرِهَا».
- (١) الْمُكَيِّف (٢) آلَةُ الطَّبَاةِ (٣) الْحَافِلَة (٤) الْجَرَّازَة
- ٢٣٩- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «مَكَانٌ وَقُوفِ السِّيَّارَاتِ وَ الْحَافِلَاتِ».
- (١) الْمُؤَوِّف (٢) الْمَحْمِل (٣) الْمُتَحَف (٤) الْمِحْرَار
- ٢٤٠- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «صِفَةٌ لِجِهَازٍ أَوْ آلَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّضْلِيحِ».
- (١) الْمُعْطَلَة (٢) ثَقِيلُ السَّمْعِ (٣) الْمَوْسُوعَة (٤) الْمُتَهَيِّمَة
- ٢٤١- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ جَمْعِ الْمُفْرَدَاتِ: «دَمْعٌ، مَدِينَةٌ، خِيَمَةٌ، قِمَّةٌ، قُرْبٌ».
- (١) دَمْعَةٌ، مَدْنٌ، خِيَامٌ، قِيمٌ، أَقْرِبَاء (٢) دَمُوعٌ، مَدْنٌ، خِيَامٌ، قِيَمَةٌ، قُرْب (٣) دَمْعَةٌ، مَدَائِنٌ، خِيَامٌ، قِيمٌ، تَقْرِيْب (٤) دَمُوعٌ، مَدْنٌ، خِيَامٌ، قِيمٌ، أَقْرِبَاء
- ٢٤٢- عَيْنِ الْخَطَأِ حَسَبِ التَّوْضِيحَاتِ:
- (١) اسْمٌ غَارٍ لَجَأٌ إِلَيْهِ النَّبِيُّ فِي طَرِيقِ هِجْرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ: نُور (٢) يَقَعُ هَذَا الْغَازُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ فِي مَكَّةَ: جِرَاء (٣) الَّذِي يَقُومُ بِتَضْلِيحِ السِّيَّارَاتِ الْمُعْطَلَةِ: الْمُصْلِح (٤) بِمَعْنَى بِنْتِي الصَّغِيرَةِ: بِنْتِي
- ٢٤٣- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْمُتَضَادِّ أَوْ الْمُتَرَادِفِ:
- (١) الصَّغَارُ ≠ الْكِبَار (٢) الْمُبْتَسِمُ ≠ الْبَاكِي (٣) جَاءُ ≠ أَتَى (٤) الْمُسْرُورُ = الْفَرِح
- ٢٤٤- عَيْنِ جَوَابًا فِيهِ كَلِمَةٌ غَرِيبَةٌ بِالنَّسْبَةِ إِلَى الْأُخْرَى:
- (١) الْغَارُ، الْقِيَمَة، الْجَبَل (٢) الْمَطَارُ، الطَّائِرَة، التَّيَّار (٣) التَّلْفَازُ، الْمُشْهَدُ، الْأَفْلام (٤) الْمُرْزَعَة، الْجَرَّازَة، الرَّرْع
- ٢٤٥- عَيْنِ الْخَطَأِ:
- (١) الْمَجْد (٢) الْمَجْتَهِد (٣) السَّاعِي (٤) السَّاب

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِ فِي التَّرْجَمَةِ لِلْأَسْئَلَةِ النَّالِيَةِ (۲۴۶-۲۸۹)

۲۴۶- سَمَكَةُ السَّهْمِ تُطَيَّقُ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مِنْ فَمِهَا إِلَى الْهَوَاءِ بِقُوَّةٍ تُشْبِهُهُ إِطْلَاقُ السَّهْمِ.

(۱) ماهی تیرانداز، قطره‌های آب را از دهانش با قدرتی به هوا رها می‌کند که به رها کردن تیر شباهت دارد.

(۲) قطرات آبی که از دهان ماهی تیرانداز رها می‌شود دارای قدرت زیادی است و به تیر شبیه می‌باشد.

(۳) ماهی تیرانداز با رها کردن قدرتمندانه قطره‌های آب از دهانش به هوا خودش را مانند تیرانداز نشان می‌دهد.

(۴) تیرهایی که از دهان ماهی تیرانداز رها می‌شود، قطره‌های آب است که آن را از دهانش با قدرت به هوا رها می‌کند.

۲۴۷- كَانَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ جَلَسُوا أَمَامَ التَّلْفَازِ مُشْتَاقِينَ وَ هُمْ كَانُوا يُشَاهِدُونَ الْحَجَّاجَ فِي مَطَارِ مِهْرَابَادِ.

(۱) اعضای خانواده با اشتیاق روبه‌روی تلویزیون نشستند و حاجیان را در فرودگاه مهرآباد نگاه کردند.

(۲) با روشن شدن تلویزیون اعضای خانواده روبه‌روی آن می‌نشینند در حالی که حاجیان را در فرودگاه مهرآباد نگاه می‌کنند.

(۳) اشتیاق اعضای خانواده چنان بود که مشتاقانه روبه‌روی آن می‌نشستند و حاجیان را در فرودگاه مهرآباد نگاه می‌کردند.

(۴) اعضای خانواده با اشتیاق روبه‌روی تلویزیون نشسته بودند در حالی که حاجیان را در فرودگاه مهرآباد نگاه می‌کردند.

۲۴۸- شَاهِدْنَا الْحَجَّاجَ فِي قِسْمِ الْأَنْظَارِ وَ هُمْ يُهَيِّئُونَ أَنْفُسَهُمْ لِلذَّهَابِ نَحْوَ الطَّائِرَةِ حَتَّى يُسَافِرُوا إِلَى مَكَّةَ.

(۱) حاجیان بخش انتظار را مشاهده می‌کنند و خود را برای رفتن به سوی هواپیما آماده می‌نمایند تا به مکه سفر کنند.

(۲) حج‌ج را در قسمت انتظار دیده شدند در حالی که به سوی هواپیما رفتند تا خودشان برای سفر به مکه آماده کنند.

(۳) حج‌ج را در قسمت انتظار می‌بینیم، آن‌ها خودشان را آماده می‌کنند و به سوی هواپیما می‌روند و به مکه سفر می‌کنند.

(۴) حاجیان را در بخش انتظار دیدیم در حالی که خود را برای رفتن به سوی هواپیما آماده می‌کردند تا به مکه سفر کنند.

۲۴۹- نَظَرَ الْوَلَدُ إِلَى وَالِدَيْهِ وَ رَأَى دُمُوعَهُمَا تَتَسَاقَطُ مِنْ أَعْيُنِهِمَا.

(۱) پسر به پدر و مادرش نگاه کرد و اشک‌هایشان را دید که از چشمانشان فرو می‌ریخت.

(۲) پسر با دیدن پدر و مادرش، اشک‌هایش از چشمانش فرو ریخت.

(۳) پسر هنگامی که اشک‌های ریزان از چشمان پدر و مادرش را دید به آن‌ها نگاه کرد.

(۴) پدر و مادر به پسرشان نگاه کردند و دیدند که از چشمانش اشک فرو می‌ریزد.

۲۵۰- سَأَلَنِي وَالِدِي مُتَعَجِّبًا: يَا بَنِيَّ، لِمَ تَبْكِي وَ قَدْ كُنْتِ فِي الْحَجِّ فِي الْعَامِ الْمَاضِي؟!

(۱) با تعجب از پدرم پرسیدم: پدر من، چرا گریه می‌کنی، در حالی که تو پارسال به حج رفته‌ای؟!

(۲) پدر را متعجب دیدم و پرسیدم: پدر جان، آیا گریه نکردی هنگامی که پارسال در حج بودی؟!

(۳) پدرم با تعجب از من پرسید: پسرکم، چرا گریه می‌کنی در حالی که سال گذشته در حج بوده‌ای؟!

(۴) پدر با تعجب پرسید: پسر، زمانی که در حج بودی، گریه نکردی؟!

۲۵۱- مَا أَجْمَلُ ذِكْرِيَّاتِ الطُّفُولَةِ عِنْدَمَا كُنَّا صِغَارًا نَلْعَبُ فِي بَسَاتِينِ الْقَرْيِ.

(۱) زیبایی خاطرات کودکان در هنگامی است که کودکانی بوده‌اند که در باغ‌ها و روستاها بازی می‌کرده‌اند.

(۲) خاطرات کودکی زیبا نیست، زمانی که کوچک باشند و در پارک‌های روستا بازی کنند.

(۳) خاطرات کودکی چه زیباست، هنگامی که کودکانی بودیم که در باغ‌های روستاها بازی می‌کردیم.

(۴) از خاطرات کودکان آن چه زیباتر است، زمانی است که کوچک بوده‌اند و در باغچه‌های روستایشان بازی می‌کرده‌اند.

۲۵۲- حِينَ شَاهَدْتُ أُمَّكَ هَاتَيْنِ الْأَمْدِيَّتَيْنِ الْمُقَدَّسَتَيْنِ فِي التَّلْفَازِ، قَالَتْ فِي نَفْسِهَا: يَا لَيْتَنِي أُسَافِرُ مَرَّةً أُخْرَى.

(۱) هنگامی که مادرت این دو شهر مقدس را در تلویزیون دید، با خودش گفت: کاش من یک بار دیگر سفر کنم.

(۲) هنگامی که تلویزیون این دو شهر مقدس را نشان داد، مادرت با خودش گفت: شاید یک بار دیگر سفر کنم.

(۳) مادرت با دیدن این شهرهای مقدس با خودش می‌گوید: کاش من یک بار دیگر سفر کنم.

(۴) مادرت با دیدن این شهرهای مقدس در تلویزیون، هر زمان با خودش می‌گوید: چرا من یک بار دیگر سفر نکردم؟

۲۵۳- لَنْ أَسْتَطِيعَ أَنْ أُوَدِّيَ فَرِيضَةَ الْحَجِّ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ مَعَ أَعْضَاءِ أُسْرَتِي لِأَنَّ زَوْجَتِي أُصِيبَتْ بِمَرَضِ السَّكَّرِ وَ تَحْتَاجُ إِلَى الطَّبِيبِ دَائِمًا.

- ۱) سال آینده نخواهم توانست همراه با اعضای خانواده‌ام فریضه حج را به جا بیاورم؛ زیرا همسرم به بیماری قند دچار شده است و همیشه نیاز به پزشک دارد.
- ۲) پارسال نتوانستم همراه با اعضای خانواده، واجب حج را به جا بیاورم؛ زیرا شوهرم بیماری سردرد داشت و همیشه نیاز به پزشک داشت.
- ۳) به خاطر بیماری سردرد همسرم و نیاز همیشگی‌اش به پزشک، سال آینده نخواهیم توانست همراه با اعضای خانواده، واجب حج را به جا بیاوریم.
- ۴) چون شوهرم بیماری قند دارد و همیشه به مراقبت پزشک نیاز دارد، نمی‌توانیم امسال همراه با اعضای خانواده به فریضه حج بپردازیم.

۲۵۴- يَا بَنِيَّ، أَجِبْ أَنْ أَذْهَبَ لِيَزَارَةَ الْأَمَاكِينِ الَّتِي لَمْ أَشَاهِدْهَا حَتَّى الْآنَ.

- ۱) پسر، دوست داشتم به زیارت مکان‌هایی بروم که تا حالا آن‌ها را ندیده بودم.
- ۲) پسرکم، دوست داشتم به زیارت جاهایی می‌رفتم که آن‌ها را تاکنون ندیده‌ام.
- ۳) پسر، می‌خواهم به زیارت جاهایی بروم که آن‌ها را تا حالا نمی‌شناختم.
- ۴) پسرکم، دوست دارم به زیارت مکان‌هایی بروم که تاکنون آن‌ها را ندیده‌ام.

۲۵۵- كُلُّ مُسْلِمٍ حِينَ يَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ وَ يَتَذَكَّرُ الْأَمَاكِينَ الْمُقَدَّسَةَ، يُشْتَاقُ إِلَيْهَا.

- ۱) همهٔ مسلمانان، وقتی که این صحنه‌ها را می‌بینند و اماکن مقدس را به یاد می‌آورند، به آن مشتاق می‌شوند.
- ۲) هر مسلمانی، هنگامی که این صحنه را می‌بیند و اماکن مقدس را به خاطر می‌آورد، به آن مشتاق می‌شود.
- ۳) تمام مسلمانان با دیدن این صحنه، اماکن مقدس را به یاد می‌آورند و به آن مشتاق می‌شوند.
- ۴) هر مسلمانی وقتی این صحنه‌ها را می‌بیند، با به یادآوری اماکن مقدس به آن مشتاق می‌شود.

۲۵۶- إِضَافَةٌ إِلَى مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ أَحَبُّ أَنْ أَزُورَ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةَ أَيْضًا، كَمَا قَالَتْ أُمُّكَ.

- ۱) دوست داشتم علاوه بر مکه و مدینه، عتبات مقدس را هم زیارت می‌کردم، همان‌طور که مادر گفت.
- ۲) دوست داشتم علاوه بر مکه و مدینه، کاش به زیارت عتبات مقدس هم می‌رفتم، همچنان‌که مادرتان گفت.
- ۳) علاوه بر مکه و مدینه، می‌خواهم به زیارت عتبات مقدس هم بروم، همان‌گونه که مادرت گفت.
- ۴) علاوه بر مکه و مدینه، دوست دارم عتبات مقدس را هم زیارت کنم، همان‌طور که مادرت گفت.

۲۵۷- عَدَدَ الَّذِينَ يُوَاجِهُونَ مَرَاةَ الْحَيَاةِ بِالرِّضَا، وَ طَرِيقَهُمُ الدَّائِمِي هُوَ الْإِتْكَاءُ عَلَى النَّفَاوِلِ، قَلِيلٌ جِدًّا.

هنر ۹۱

- ۱) بسیار اندک هستند کسانی که تلخی زندگی را با رضایت پشت سر می‌گذارند و اتکای بر خوش‌بینی مسیر همیشگی آن‌هاست!
- ۲) تعداد کسانی که با تلخی زندگی با رضایت مواجه می‌شوند و راه همیشگی آن‌ها اتکا بر خوش‌بینی است، بسیار کم می‌باشد!
- ۳) عده‌ای اندک هستند کسانی که از تلخی‌های زندگی با رضایت عبور می‌کنند و مسیرشان پیوسته با تکیه بر خوش‌بینی طی می‌شود!
- ۴) کسانی که با سختی‌های زندگی رضایتمندانه مواجه می‌شوند، و نیز آن‌ها که تکیه بر خوش‌بینی راه همیشگی آن‌هاست تعدادشان بسیار اندک است!

۲۵۸- جَمِيعُ الْأَطْفَالِ يُحِبُّونَ أَنْ يَلْبَسُوا أَيَّامَ الْعِيدِ أَجْمَلًا وَ أَنْظَفَ ثِيَابِهِمْ مَسْرُورِينَ، وَ هُمْ يَذْهَبُونَ لِيَزَارَةَ الْأَخْرَيْنِ!:

انسانی ۹۳

- ۱) کودکان همگی در روز عید دوست دارند زیباترین و نظیف‌ترین لباس خود را پوشیده، با شادی به دیدن یکدیگر بروند!
- ۲) روزهای عید همگی کودکان لباس‌های زیبا و پاکیزه خود را می‌پوشند و با شادی بسیار، به دیدن و بازدید دیگران می‌روند!
- ۳) همهٔ بچه‌ها ایام عید شادمانه در حالی که دوست دارند زیباترین و پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بپوشند، به دیدن و بازدید یکدیگر می‌روند!
- ۴) در ایام عید همهٔ بچه‌ها در حالی که به دیدار دیگران می‌روند، دوست دارند با شادی و مسرت، زیباترین و تمیزترین لباس‌های خود را بپوشند!

انسانی ۹۷

۲۵۹- ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾.

- ۱) خداوند برای آنان باغ‌هایی فراهم کرده که زیر آن‌ها نهرها جاری است در حالی که در آن جاویدان هستند!
- ۲) الله برای آن‌ها باغ‌هایی آماده می‌کند که در زیر آن‌ها رودخانه‌هایی جاری است، و در آن جاویدان می‌باشند!
- ۳) آماده کرده است خداوند برای ایشان بوستان‌ها را و در زیر آن‌ها رودخانه‌ها را جاری کرده، و در آن جاویدان هستند!
- ۴) فراهم ساخته است الله برای ایشان بوستان‌ها را و در زیر آن‌ها نهرهایی جاری ساخته است، و در آن جاویدان می‌باشند!

زبان ۹۱

۲۶۰- لَمْ أَدْعِ الْإِجْتِهَادَ فِي دُرُوسِي فَلِهَذَا تَقَدَّمْتُ عَلَى الْأَخْرَيْنِ وَ أَصْبَحْتُ إِنْسَانًا نَاجِحًا.

- ۱) تلاشم در درس‌هایم هرگز ترک نشده است، لذا از دیگران جلو افتادم و انسان موفق شدم!
- ۲) کوشش من در درس‌ها رها نشد، به خاطر آن بر دیگران برتری یافتم و انسان موفق گردیدم!
- ۳) کوشش خود را در درس‌ها رها نکردم، بنابراین از دیگران سبقت گرفتم و انسانی موفق شدم!
- ۴) تلاش را در درس‌هایم رها نکردم، بدین سبب بر دیگران پیشی گرفتم و انسان موفق گردیدم!

۲۶۱- فِي أَنْتِهَاءِ مَمَرٍ مَدْرَسَتِنَا نَافِذَةٌ تَفْتَحُ عَلَيَّ مَنْظَرَ جَمِيلٍ، أَسْرِعُ أَنَا لِزُؤُوتِهَا بِاشْتِيَاقٍ حِينَمَا يَدُقُّ الْجَرَسُ! ریاضی ۹۳

- ۱) در آخر راهرویی در مدرسه ما پنجره‌ای هست که به منظره زیبایی باز شده، هر وقت زنگ می‌خورد، من با اشتیاق برای دیدن منظره می‌شتابم!
- ۲) در انتهای راهروی مدرسه ما پنجره‌ایست که به منظره زیبایی باز می‌شود، وقتی زنگ می‌خورد، من با اشتیاق برای دیدنش می‌شتابم!
- ۳) در انتهای این راهرو از مدرسه ما پنجره‌ای به سمت تابلویی از طبیعت باز می‌شود که بعد از زنگ، من با اشتیاق به دیدنش می‌شتابم!
- ۴) در آخر راهروی مدرسه ما آن پنجره به یک تابلوی زیبای طبیعی باز می‌شود، موقع زنگ برای دیدنش مشتاقانه می‌شتابم!

۲۶۲- ﴿مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا، فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾ ریاضی ۹۴

- ۱) چنان‌چه کسی را مظلومانه به کشتن دهند، اولیای دم وی را سلطه می‌دهیم!
- ۲) هر کس مظلومانه به قتل برسد، برای صاحب خون او قدرتی قرار می‌دهیم!
- ۳) آن که قتل او مظلومانه باشد، صاحب خونش را سلطنت می‌بخشیم!
- ۴) کسی که با ظلم کشته شود، ولیّ دم او را قدرتمند ساخته‌ایم!

۲۶۳- إِنْ كَسَّرْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْكَ بِدَرَجَاتٍ وَ حَمَلْتَ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ، فَقَدْ كَسَّرْتَ نَفْسَكَ حَقًّا! هنر ۹۲

- ۱) هر زمان شخصی را که از تو مراتبی پایین‌تر است بخوای بشکنی و چیزی را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقیقتاً خود را می‌شکنی!
- ۲) وقتی فردی از تو چند درجه پایین‌تر باشد و تو او را شکستی و آنچه را که تحمل آن را ندارد بر او بار کنی، به حق که فقط خود را می‌شکنی!
- ۳) زمانی که کسی از تو مراتبی پایین‌تر بود و او را شکستی و بر او چیزهایی بار کردی که تحمل ندارد، در واقع خودت را شکسته‌ای!
- ۴) اگر کسی را که درجاتی از تو پایین‌تر است بشکنی و آنچه را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقاً خود را شکسته‌ای!

۲۶۴- أَنَا وَ زَمِيلَاتِي بِحَاجَةٍ إِلَى مَدْرَسَةِ حَادِقَةٍ تَعَلَّمْنَا الدُّرُوسَ مِنْ جَدِيدٍ! تجربی ۹۴

- ۱) من و هم‌شاگردی‌هایم معلم برجسته‌ای درخواست کرده‌ایم که درس‌ها را از نو از او تعلیم بگیریم!
- ۲) من و هم‌کلاسی‌هایم نیازمند مدرّسی ماهر هستیم که درس‌ها را از نو به ما آموزش دهد!
- ۳) من و دوستانم محتاج مدرّس حاذق می‌باشیم تا دروس را دوباره از او بیاموزیم!
- ۴) من و رفقایم به معلمی ماهر نیازمندیم تا درس‌هایمان را مجدداً به ما یاد بدهد!

۲۶۵- الْكِتَابُ هُوَ الَّذِي يَقْدِرُ أَنْ يَكُونَ صَدِيقَكَ الْمُخْلِصَ وَ يُنَجِّيكَ مِنَ الضَّلَالِ وَ يُرْشِدَكَ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ! زبان ۹۲

- ۱) کتاب است که می‌تواند دوست مخلص تو باشد و تو را از گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند!
- ۲) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تو را از گمراهی نجات بخشد و به راه هدایت افکند!
- ۳) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات‌بخش است و تو را به راه درست هدایت می‌کند!
- ۴) این کتاب است که می‌تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی‌ات رهایی‌بخش و به هدایت کشاند!

۲۶۶- إِنْ الْمَشَاكِلَ كَالْجِدَارِ تَقْدِرُ أَنْ تَعْدَهُ نِهَایَةَ الْأَمْرِ، وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَصْعَدَهُ حَتَّى تَصِلَ إِلَى الْفَرْجِ! زبان ۹۷

- ۱) مشکلات مانند دیوارند، می‌توانی آن را پایان کار بشماری، و می‌توانی از آن بالا بروی تا به گشایش برسی!
- ۲) سختی‌ها چون دیوارند، می‌توانی آن را پایان کار خود بشماری، و می‌توانی از آن صعود کنی تا به راه نجاتی برسی!
- ۳) مشکلات مثل دیواری است که می‌توانی آن را پایان کار بشماری، ولی می‌توانی خود را بالا ببری تا به فرجی برسی!
- ۴) سختی‌ها مثل دیواری است که تو قادری آن‌ها را پایان کار خویش به شمار آوری، یا از آن صعود کرده به راه نجات برسی!

۲۶۷- إِذَا تَكْتَبُونَ أَهْدَافَكُمْ عَلَيَّ وَرَقَةً تَحْضُلُونَ عَلَيَّ مَا تَطْلُبُونَ بِسُرْعَةٍ عَجِيبَةٍ! خارج ۹۷

- ۱) هرگاه اهدافتان را بر کاغذ مکتوب کنید، متعجبانه به آنچه می‌خواهید به سرعت می‌رسید!
- ۲) آن‌گاه که هدف‌هایتان را بر کاغذ بنویسید، به آنچه خواستید با سرعتی تعجب‌آور خواهید رسید!
- ۳) هرگاه هدف‌هایتان را روی ورقه‌ای بنویسید، آنچه را می‌خواهید با سرعتی عجیب به دست می‌آورید!
- ۴) اگر هدف‌هایتان را بر اوراق کاغذ مکتوب کنید، آنچه را خواسته‌اید با سرعت تعجب‌آور به دست می‌آورید!

۲۶۸- لَوْ تَنْظُرِينَ إِلَى الْكُنَائِنَاتِ حَوْلِكَ بِدِقَّةٍ، تُدْرِكِينَ أَنَّهَا وَدَائِعٌ مِنْ جَانِبِ اللَّهِ مُسَخَّرَةٌ لَنَا، وَ حَقِيقَةُ الْأَمْرِ هِيَ هَذِهِ! خارج ۹۱ با تغییر

- ۱) چنان‌چه به دنیای اطرافت نیکو نگاه کنی، درک می‌کنی که آن‌ها امانت‌هایی از سوی خداوند هستند که به تسخیر ما درآمده‌اند، و این حقیقت پدیده‌های دنیاست!
- ۲) اگر به موجودات پیرامون خود به دقت بنگری، پی می‌بری که آن‌ها امانت‌هایی از جانب خداوند هستند که مسخّر شده‌اند ما هستند، و حقیقت امر نیز همین است!
- ۳) هرگاه به اطراف خود و موجودات دقیقاً نگاه کنی، فکر می‌کنی آن‌ها امانت تسخیر شده‌اند برای ما هستند، و واقعیت هم همین است!
- ۴) زمانی که به هستی اطرافت با دقت نگاه کنی، می‌یابی که آن امانات، تسخیر شده‌اند خداوند برای ما هستند و واقعیت نیز این چنین است!

۲۶۹- نَحْنُ سَنَذْهَبُ مَعَ قَائِدِنَا إِلَى الْقِتَالِ وَ لَنْ نَنْزِعَهُ وَحِيداً فِي الْوَقْتِ الْحَرَجِ!

ریاضی ۹۳

- ۱) با رهبر خویش به محل نبرد رهسپار می شویم و او را در زمان سختی ترک نمی کنیم!
- ۲) به همراه فرمانده برای مبارزه خواهیم رفت و هرگز او را در وقت دشواری رها نمی کنیم!
- ۳) ما همراه فرمانده خود به نبرد خواهیم رفت و هنگام سختی او را تنها ترک نخواهیم کرد!
- ۴) ما با رهبر خود به میدان جنگ می رویم و او را در زمان دشواری، تنها رها نخواهیم کرد!

۲۷۰- كَانْ أَبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِماً أَنَّ طَرِيقَ الْوُصُولِ إِلَى الْعَلِيِّ هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!

ریاضی ۹۴

- ۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی به بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- ۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی ها، خوبی کردن در حق ناس است!
- ۳) پدران ما همواره تأکید می کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی کردن در حق مردم است!
- ۴) نیاکان ما دائماً سفارش می کنند که طریق رسیدن به بزرگی ها، احسان در حق الناس است!

۲۷۱- كَانْ يَزِدَادُ قَلْبِي كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَمَا تَمْضِي الْأَيَّامُ وَ أَنَا مَا كُنْتُ أَعْمَلُ عَمَلًا مُفِيداً!

انسانی ۹۴

- ۱) هر روز که می گذشت اضطراب من بیشتر می شد، چون من کار مفیدی انجام نداده بودم!
- ۲) وقتی روزها می گذشت در حالی که هیچ کار مفیدی انجام نمی دادم اضطرابم هر روز بیشتر می شد!
- ۳) هر روز نگرانیم افزایش می یافت، در حالی که هیچ کار مفیدی انجام نداده بودم و روزها گذشته بود!
- ۴) هنگامی که روزها می گذشت، هر روز به نگرانی هایم افزوده می شد در حالی که کاری مفید انجام نمی دادم!

۲۷۲- فَارَ جُنُودَ الْإِسْلَامِ رَغْمَ أَنَّ الْأَعْدَاءَ كَانُوا قَدْ رَوَّعُوهُمْ، لِأَنَّ تَوَكُّلَهُمْ كَانَ عَلَى اللَّهِ فَقَطًّا!

زبان ۹۶

- ۱) با وجود ترس از دشمن، سربازان اسلام پیروز گردیدند، زیرا فقط بر خدا توکل کرده بودند!
- ۲) با وجود تهدید دشمنان، سپاهیان اسلام پیروز شدند، چه توکل آن ها همواره بر خدا بوده است!
- ۳) سربازان اسلام پیروز شدند علی رغم اینکه دشمن آن ها را تهدید کرده بود، زیرا توکل همیشگی آنان بر خدا بود!
- ۴) سپاهیان اسلام علی رغم اینکه دشمنان آن ها را ترسانده بودند، پیروز شدند، زیرا توکل آن ها فقط بر الله بوده است!

۲۷۳- إِنَّ جِسْمَ الْإِنْسَانِ شَيْءٌ غَامِضٌ وَ مَازَالَ الْعُلَمَاءُ لَمْ يَسْتَطِيعُوا أَنْ يَكْتَشِفُوا حَقَائِقَهُ كُلَّهَا!

خارج ۹۲

- ۱) جسم بشر چیز مبهم و پیچیده ایست که دانشمندان تاکنون قادر نشده اند به کل حقایق آن پی ببرند!
- ۲) جسم بشر چیز پیچیده ای می باشد و علما تاکنون نتوانسته اند واقعیت های کلی آن را اکتشاف کنند!
- ۳) بدن انسان شیء پیچیده ایست و دانشمندان تا به حال نتوانسته اند تمام حقایق آن را کشف کنند!
- ۴) بدن انسان شیء مبهمی است که پژوهشگران تا حالا قادر نشده اند به کل حقایق آن پی ببرند!

۲۷۴- عِنْدَمَا لَا تَسْعُرُ بِخَوْفٍ فِي أَعْمَاقِ صَمِيرِكَ، إِلَّا الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ، عِنْدَيْدٍ قَدْ تَوَكَّلْتَ عَلَيْهِ حَقًّا.

خارج ۹۱

- ۱) آن زمان به خدا اعتماد واقعی داری که در درونت هیچ ترسی جز ترس از خدا وجود نداشته باشد!
- ۲) هر زمان ترسی جز ترس از خدا در عمق وجودت احساس نشد، پس آنگاه اعتماد تو فقط به خداست!
- ۳) هرگاه در درونت جز از خدا از هیچ کس ترسی نداشته باشی، پس آن زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل داری!
- ۴) وقتی که در اعماق وجودت ترسی جز ترس از خدا احساس نمی کنی، در این زمان است که حقیقتاً بر خدا توکل کرده ای!

۲۷۵- مَنْ يُحِبَّ اللَّهَ يُحْسِنِ إِلَى النَّاسِ، وَ مَنْ يُحِبَّ اللَّهَ يُبْعِدْ عَنْهُ الشَّرَّ!

انسانی ۹۵

- ۱) هرکس خدا را دوست بدارد با مردم به خوبی رفتار می کند، و کسی که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می شود!
- ۲) هر آنکه حب خدا در دل دارد، به مردم احسان می کند، و آن کس که خدا او را دوست دارد، از بدی دور می ماند!
- ۳) هر کس خدا را دوست دارد به مردم نیکی می کند، و هر کس خدا او را دوست دارد، بدی را از او دور می کند!
- ۴) آن که دوستدار خدا است به مردم احسان می کند، و آن که خدا دوستدار اوست، او را از شر دور می سازد!

۲۷۶- يَجِبُ أَنْ نَقُولَ لِبَعْضِ النَّاسِ أَنْتُمْ الَّذِينَ لَا تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَقِفُوا عَلَى رِجْلِكُمْ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُونَ أَنْ تَقِفُوا عَلَى قَوْلِكُمْ!

زبان ۹۶

- ۱) باید به بعضی مردم بگوییم شما که نمی توانید روی پای خود بایستید، چگونه می توانید روی سخن خود بایستید!
- ۲) باید به برخی انسان ها اینگونه گفت شما توان ایستادن بر روی پای خود را ندارید چطور بر روی حرف خود ایستادن دارید!
- ۳) واجب است به برخی از مردم گفته شود شما نتوانستید بر پای خود بایستید پس به چه صورت می توانید بر حرف خود بایستید!
- ۴) ضروری است به بعضی از انسانها چنین بگوییم شما که قادر بر ایستادن روی پا نیستید، چگونه بر سخن خود قدرت ایستادن دارید!

هنر ۹۶

۲۷۷- «يا إنسان! إن تهتمَّ بالسِّرِّ الغامِضِ لِحياتِكَ، تَتَوَصَّلُ إِلَى عَجَائِبِ أُخْرَى»: ای انسان! اگر....

(۱) به راز پیچیده زندگیات توجه کنی، به عجایب دیگری دست می‌یابی!

(۲) از مشکل راز زندگیات آگاه شوی، رسیدنت به عجایب دیگر میسر می‌شود!

(۳) راز پیچیده‌ای در زندگیات هست، به آن اهتمام کن تا به عجایب دیگری برسی!

(۴) مشکل راز زندگیات را متوجه شوی، دست یافتن به عجایب دیگر آسان می‌شود!

تجربی ۹۲

۲۷۸- قَدْ أَنْشَدَ هَذَا الشَّاعِرُ أُبَيًّا مَتَّعِدَّةً فِي وَصْفِ الْعِلْمِ وَالْعَالِمِ لِيَقْرَأَهَا فِي مَجْلِسِ تَكْرِيمِ الْعُلَمَاءِ الْكِبَارِ!

(۱) شاعران بی‌شماری ابیاتی در مورد دانش و دانشمند سروده‌اند تا در مجالس بزرگداشت علمای بزرگ خوانده شود!

(۲) بیت‌های فراوانی را این شاعر در مورد علم و عالم می‌سراید تا در مجلسی برای تکریم دانشمندان بزرگ آن‌ها را بخواند!

(۳) این شاعر ابیات متعددی را در وصف علم و عالم سروده تا آن‌ها را در مجلس بزرگداشت دانشمندان بزرگ بخواند!

(۴) در توصیف دانش و دانشمند این شاعر بیت‌های بسیاری سروده است تا در همایش بزرگ علمای بزرگ خوانده شود!

خارج ۹۷

۲۷۹- عَلَى السَّبَابِ أَنْ يُعْتَمِنُوا لِحَظَاتِ عُمْرِهِمْ وَ يُبَادِرُوا بِاِكْتِسَابِ الْفُرْصِ، لِأَنَّ الْعُمَرَ مَعَ الشَّيْبِ يَنْقُصُ! (شَيْب: پیری)

(۱) بر جوانان است که لحظه‌های عمر خود را غنیمت بشمارند و برای به‌دست آوردن فرصت‌ها مبادرت کنند، زیرا عمر با سالخوردگی نقصان می‌یابد!

(۲) غنیمت شمردن لحظه‌های عمر و مبادرت در به‌دست آوردن فرصت‌ها، بر جوانان ما واجب است، زیرا با پیر شدن از عمر کاسته می‌گردد!

(۳) باید جوانان، لحظات عمر را غنیمت بدانند و اقدام به استفاده از فرصت به‌دست آمده کنند، چه همراه پیری عمر می‌گذرد!

(۴) جوانان باید از تمام لحظات عمر خود بهره ببرند و اقدام به کسب فرصت‌ها نمایند، چه پیری عمر را کاهش می‌دهد!

زبان ۹۴

۲۸۰- ﴿إِصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾:

(۱) صبر کنید تا خداوند بین ما داوری کند، و او بهترین داوران است!

(۲) صبر داشته باشید که الله بین ما داوری کند، و او نیکوترین داور است!

(۳) صبر پیشه کنید تا الله بین ما حاکم باشد، چه او نیکوترین حاکمان است!

(۴) صبور باشید که خداوند بین ما حکم خواهد کرد، که بهترین حاکمان است!

هنر ۹۴

۲۸۱- ﴿عِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾:

(۱) بندگانی رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند.

(۲) عبادت‌کنندگان رحمان کسانی هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!

(۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین ره می‌سپارند!

(۴) بندگان خداوند رحمان آنانی هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

خارج ۹۲

۲۸۲- يُعَانِي الْإِنْسَانُ فِي الْمَدْنِ الْكَبِيرَةِ مِنَ الضُّوْءِ الْكَثِيرَةِ وَالْحَيَاةِ الْمَكْرَزَةِ!

(۱) مردم در بلاد کبیره، از شلوغی فراوان و روزمرگی زندگی به زحمت می‌افتند!

(۲) انسان در شهرهای بزرگ، از سر و صدای زیاد و زندگی تکراری رنج می‌برد!

(۳) مردم بلاد کبیره، از سر و صدای زیاد و زندگی مکرر، به ستوه آمده‌اند!

(۴) رنج انسان در شهرهای بزرگ، از ازدحام زیاد و تکرار زندگی می‌باشد!

هنر ۹۳

۲۸۳- ذَاتِ يَوْمٍ كَانَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مُلتَصِقَتَيْنِ، ثُمَّ فَصَلَ رَبُّهُمَا بَيْنَهُمَا فَأَصْبَحَتَا بِهَذَا الشَّكْلِ!

(۱) آسمان‌ها و زمین زمانی با هم یکی بودند، تا اینکه پروردگارش بین آن‌ها فاصله ایجاد کرد و به این شکل درآورد!

(۲) روزی آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، سپس پروردگارش آن‌ها را از هم جدا ساخت و به این شکل شدند!

(۳) زمانی آسمان و زمین به یکدیگر وصل بودند، سپس پروردگارش بین آن‌ها فاصله‌ای ایجاد کرد تا به شکلی درآیند که اکنون هستند!

(۴) آسمان و زمین روزگاری پیوسته به یکدیگر بوده‌اند، نگاه خداوندشان فاصله‌ای بینشان ایجاد کرد تا به این شکل درآیند که اکنون هستند!

هنر ۹۴

۲۸۴- بَعْضُ الْأَخْيَانِ لَا يَعْقُبُ الْإِنْسَانَ هَدَفًا بَلْ يَقْتُلُ وَقْتَهُ فَقَطْ إِلَى أَنْ يَقْتُلَهُ الْوَقْتُ!

(۱) اغلب انسان‌ها هدف را پشت‌گوش انداخته، وقت خود را از دست می‌دهند تا اینکه وقت آن‌ها را بگذرد!

(۲) گاهی انسان هدفی را دنبال نمی‌کند، بلکه فقط وقت خود را می‌گذرد تا زمانی که وقت او را بگذرد!

(۳) بعضی وقت‌ها انسان نه تنها به دنبال هدفی نیست، بلکه وقت خود را می‌گذرد تا وقتش تمام شود!

(۴) انسان، گاهی هدفی را تعقیب نمی‌کند، بلکه فقط زمان خود را از بین می‌برد تا وقتی که بمیرد!

زبان ۹۵

۲۸۵- هَذِهِ سُنَّةٌ جَمِيلَةٌ بَأْتْنَا نَنْهَضُ مِنْ مَكَانِنَا لَمَّا يَدْخُلُ عَلَيْنَا صَيْفٌ جَدِيدًا!

- ۱) این یک سنت زیبا است که ما بلند می‌شویم زمانی که میهمانی جدید هنوز بر ما وارد نشده است!
- ۲) این یک سنت زیبا است که وقتی میهمانی جدید بر ما وارد می‌شود از جایمان برمی‌خیزیم!
- ۳) سنت زیبایی است که از جایمان برمی‌خیزیم هنوز میهمان جدید بر ما وارد نشده است!
- ۴) سنت زیبا این است که وقتی مهمان جدید نزد ما می‌آید برایش قیام می‌کنیم!

زبان ۹۶

۲۸۶- ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾

- ۱) برآستی برای آیاتی که در آن است، گروهی تعقل می‌ورزند!
- ۲) همانا در آن نشانه‌هایی است برای قومی که تعقل می‌ورزند!
- ۳) همانا آیاتی که در آن است برای قومی است که خرد می‌ورزند!
- ۴) برآستی نشانه‌هایی که در آن آیات وجود دارد برای قومی است خردمند!

تجربی ۹۷

۲۸۷- يَخْتَأِجُ سَبَابِنَا إِلَىٰ نَمَازِجٍ مِّثَالِيَّةٍ فِي الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ حَتَّىٰ يُهْدُوا إِلَىٰ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ يَبْتَغِدُوا عَنِ الصَّلَاةِ!

- ۱) جوانان به نمونه‌های علمی و عملی برتری نیاز دارند تا به راه صحیح هدایت شده از گمراهی دور شوند!
- ۲) احتیاج جوانان ما در علم و عمل به نمونه‌های برتر است تا راه درست را پیدا کنند و از ضلالت دور بمانند!
- ۳) نیاز جوانان ما به نمونه‌هایی برتر در علم و عمل است تا به صراط مستقیم هدایت کرده از ضلالت دوری کنند!
- ۴) جوانان ما در علم و عمل به نمونه‌هایی برتر احتیاج دارند تا به راه مستقیم هدایت شوند و از گمراهی دور گردند!

۲۸۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) أَيُّ الْأَمَاكِينِ تُحِبُّ أَنْ تَزُورَهَا: دوست داشتی چه مکان‌هایی را زیارت می‌کردی؟
- ۲) مَا هِيَ دِكْرِيَاتُكُمْ عَنِ الْحَجِّ؟ خاطرات شما از حج چه بودند؟
- ۳) أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ وَ كُلِّ مَنَاسِكِ الْحَجِّ: چادرهای حاجیان و تمام مراسم حج را به یاد داشته باش.
- ۴) كَانَ النَّبِيُّ يَتَعَبَّدُ فِي الْغَارِ الْوَاقِعِ فِي قِمَّةِ جَبَلِ حِرَاءٍ: پیامبر در غار واقع در قلعه کوه حرا عبادت می‌کرد.

۲۸۹- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) أُولَىٰ آيَاتِ الْقُرْآنِ نَزَلَتْ عَلَىٰ النَّبِيِّ فِي غَارِ حِرَاءٍ: اولین آیه‌های قرآن در غار حرا بر پیامبر نازل شده است.
- ۲) إِلْجَاءً إِلَىٰ الْغَارِ عِنْدَمَا يَتَسَاقَطُ الْمَطَرُ: هنگامی که باران پی‌درپی فرو می‌ریزد به غار پناه می‌برم.
- ۳) أَتَمَنَّىٰ أَنْ أَتَشَرَّفَ مَعَ الْأَقْرَبَاءِ لَزِيَارَةِ الْأَمَاكِينِ الْمُقَدَّسَةِ: آرزو می‌کنم با نزدیکان برای زیارت مکان‌های مقدس تشریف پیدا کنم.
- ۴) لَا يَسْتَطِيعُ صُعودُ الْجَبَلِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ: فقط افراد قوی می‌توانند از کوه بالا بروند.

۲۹۰- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) هُوَأُ أَشْمَاكِ الرِّبَنِ مَعْجَبُونَ بِسَمَكَةِ السَّهْمِ: طرفداران ماهی‌های زینتی، شیفته ماهی تیرانداز هستند،
- ۲) وَلَكِنَّ تَغْذِيَتَهَا صَعْبَةٌ عَلَيْهِمْ جَدًّا: ولی تغذیه وی برایشان بسیار سخت است،
- ۳) لِأَنَّهَا تَفْضَلُ الْفَرَائِسَ الْحَيَّةَ دَائِمًا: زیرا او همیشه ترجیحاً طعمه‌های زنده را دوست دارد،
- ۴) وَ هَذِهِ الْفَرَائِسُ لَا تَحْصُلُ عَلَيْهَا إِلَّا بِصُعُوبَةٍ: و این طعمه‌ها فقط به سختی به دست آورده می‌شوند.

۲۹۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) يُطَلَّقُ السَّهْمُ الْمَائِيُّ فِي اتِّجَاهِ الْحَشْرَاتِ فَوْقَ الْمَاءِ: تیر آبی، در جهت حشرات بالای آب رها می‌شود.
- ۲) عِنْدَمَا تَسْقُطُ الْحَشْرَةُ عَلَىٰ سَطْحِ الْمَاءِ تَبْلُغُهَا سَمَكَةُ السَّهْمِ: ماهی تیرانداز هنگامی حشره را می‌بلعد که روی سطح آب سقوط کرده باشد.
- ۳) سَمَكَةُ السَّهْمِ أَعْجَبُ مِنَ الْأَسْمَاكِ الْأُخْرَىٰ فِي الصَّيْدِ: ماهی تیرانداز، در شکار از شگفت‌ترین ماهی‌ها است.
- ۴) تُخْرِجُ التِّيَلَابِيَا صِغَارَهَا الَّتِي ابْتَلَعَتْهَا، بَعْدَ زَوَالِ الْخَطَرِ: تیلابیا بچه‌های بلعیده شده‌اش را، بعد از رفع خطر بیرون می‌آورد.

۲۹۲- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱) سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا مِنْ أَعْرَبِ الْأَسْمَاكِ تُدَافِعُ عَنْ صِغَارِهَا: ماهی تیلابیا از ماهی‌های عجیبی است که از بچه‌هایش دفاع می‌کند.
- ۲) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ السَّمَكَةَ تَعِيشُ فِي شِمَالِ إِفْرِيقِيَا؟ آیا می‌دانی که این ماهی در شمال آفریقا زندگی می‌کند؟
- ۳) سَمَكَةُ التِّيَلَابِيَا تَبْتَلِعُ صِغَارَهَا عِنْدَمَا يَشَاهِدُ خَطَرًا: ماهی تیلابیا هنگامی که خطری را می‌بیند، بچه‌هایش را می‌بلعد.
- ۴) قَدْ يَذْكَرُ الْأُسْتَاذُ تِلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ: گاهی استاد، دانشجویان قدیمی‌اش را یاد می‌کند.

۲۹۳- عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) اِسْتَعْلَ الْمُرَارِعُ فِي الْمَرْزَعَةِ نَشِيطاً: کشاورز بانشاط، در مزرعه کار کرد.
- (۲) وَقَفَ الْمُهَنْدِسُونَ الشَّبَابُ فِي الْمَصْنَعِ مُتَبَسِّمِينَ: مهندسان جوان، لبخندزنان در کارخانه ایستادند.
- (۳) اللَّاعِبَاتُ الْإِيرَانِيَّاتُ رَجَعْنَ مِنَ الْمُسَابَقَاتِ فَرِحَاتٍ: بازیکنان خوشحال ایرانی، از مسابقات برگشتند.
- (۴) هَاتَانِ الْبِنْتَانِ فَاَمْتَا بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتِرْنَتِ مُشْتَاقَتَيْنِ: این دو دختر، مشتاق یک گردش علمی در اینترنت شدند.

۲۹۴- عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ وَ هُمْ فَرِحُونَ: تماشاچی‌های خوشحال، تیم برنده‌شان را تشویق کردند.
- (۲) وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ: دو مسافر با تأخیر به قطار می‌رسند.
- (۳) تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً: دانش‌آموز، در انجام تکالیفش با رضایت تلاش می‌کند.
- (۴) اَلتَّلْمِيذَاتَانِ تَقْرَأَانِ دُرُوسَهُمَا مَجْدَّتَيْنِ: دو دانش‌آموز تلاشگر، درس‌هایشان را خواندند.

۲۹۵- عَيْنِ اَلْحَطَا فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) اَشَاهِدُ الْفَلَاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ: کشاورز را دیدم، او محصول را جمع می‌کرد.
- (۲) اَشَاهِدُكَ وَ اَنْتَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ: تو را می‌بینم، در حالی که میان دو درخت نشسته‌ای.
- (۳) كَانَ الطَّلَبُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مَدْرَسِ الْكِيمِيَاءِ مُشْتَاقِينَ: دانش‌آموزان، با اشتیاق به سخن معلم شیمی گوش می‌دادند.
- (۴) عَلَيْنَا أَنْ نَجْلِسَ أُمَامَ الْوَالِدَيْنِ مُؤَدِّبِينَ: باید جلوی پدر و مادر، بادب بنشینیم.

انسانی ۹۴

۲۹۶- عَيْنِ اَلْحَطَا:

- (۱) اِنْ اِسْتَشْرَتِ الْاَبْرَارَ فَلَنْ تَنْدَمَ: اگر با نیکان مشورت کرده بودی قطعاً پشیمان نمی‌شدی،
- (۲) وَ اِنْ دَقَّتْ حُلُوَ الْحَيَاةِ وَ مَرَّهَا فَلَنْ تَسْتَسْلِمَ اَمَامَ الْمَصَاعِبِ: و اگر شیرینی زندگی و تلخی آن را بچشی در مقابل سختی‌ها تسلیم نخواهی شد.
- (۳) لِأَنَّ الْمَصَاعِبَ كَالنَّارِ تَقْوِي اِرَادَتَكَ: زیرا سختی‌ها چون آتش اراده‌ات را قوی می‌کند!
- (۴) فَالْفَشْلُ لَيْسَ نِهَايَةَ الطَّرِيقِ بَلْ هُوَ جِسْرُ الْاِنْتِصَارِ: پس شکست پایان راه نیست بلکه آن پل پیروزی است!

ریاضی ۹۶

۲۹۷- عَيْنِ اَلْحَطَا:

- (۱) هَذِهِ الْيَدُ يُجِبُّهَا اللَّهُ: این دست است که خداوند آن را دوست می‌دارد!
- (۲) هَذِهِ يَدٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ: این دستی است که خداوند آن را دوست می‌دارد!
- (۳) هُوَلاءُ الْمُكْرَمُونَ لَا يَتَكَبَّرُونَ عَلَى أَوْلِيَاكَ: این گرامیان بر آن‌ها تکبر نمی‌ورزند!
- (۴) هُوَلاءُ مُكْرَمُونَ لِأَنَّهُمْ لَا يَتَكَبَّرُونَ عَلَى الْآخَرِينَ: اینان گرامی هستند، چون بر دیگران تکبر نمی‌کنند!

تجربی ۹۴

۲۹۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ لِنَعْتَمِدِ الْقُدْرَةَ عَلَى الْعَقْلِ: قدرت قبل از هر چیز بر عقل تکیه دارد!
- (۲) نَعْلَمُ كَثِيرًا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَ لَكِنَّا لَيْسَتْ فِي ذَاكِرَتِنَا: با اینکه خیلی چیزها را می‌دانیم ولیکن آن‌ها را به یاد نمی‌آوریم!
- (۳) اِنَّ الْاُسْرَةَ مُؤْتَرَةٌ كَثِيرًا فِي تَرْبِيَةِ اَبْنَائِهَا بِلَا شَكٍّ: بدون تردید خانواده‌ها تأثیر فراوانی در تربیت فرزندان‌شان خواهند داشت!
- (۴) كَيْفَ قَدَّرْتَ اَنْ تَحْفِظَ الْوَزْدَةَ فِي غَضَاصَةٍ فِي هَذَا الْجَوِّ الْحَارِّ: در این هوای گرم چگونه توانستی گل را تازه نگه داری؟

زبان ۹۴

۲۹۹- عَيْنِ اَلْحَطَا: اِنَّ اللَّهَ هُوَ الْوَحِيدُ الَّذِي.../: خدا تنها کسی است که....

- (۱) يَجْلِسُ مُكَدِّبُهُ وَ مُنْكَرُهُ عَلَى مَائِدَتِهِ، تَكْذِيبُ كُنْدِگَانِ وَ مُنْكَرَانِ رَا بَرِ سِرِّ سَفَرُهُ خُودِ مِي نَشَانْدَا!
- (۲) يَشْتَرِي الْقُلُوبَ الْمُتَنَكِّسَةَ أَحْسَنَ مِنَ السَّالِمَةِ، دِل‌هَائِ شَكْسْتِه رَا بَهْتَرِ اَزِ قُلُوبِ سَالِمِ مِي خَرْد.
- (۳) اِنْ تَذَهَبَ اِلَيْهِ يُسْرَعُ اِلَيْكَ، اِگَرِ بِه سَوِي اَوْ بَرُوِي بِه سَوِيْتِ مِي شْتَابِد.
- (۴) عِنْدَمَا يَبْعُدُ عَنْكَ كُلُّ النَّاسِ يَبْقَى عِنْدَكَ! هِنْگَامِي كِه هَمَّةُ مَرْدَمِ اَزِ تُو دُورِ مِي شُونْدِ نَزْدِ تُو مِي مَانْدَا!

ریاضی ۹۴

۳۰۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) لَا تَتَكَاسَلْ، فَإِنَّ النَّجَاحَ لَا يَنَابِسُ الْكَسَلَ: تنبلی مکن که موفقیت با تنبلی تناسب ندارد!
- (۲) لَا تَتَكَاسَلْ الْمَمْرُضَةَ الْحَادِقَةَ عَنْ أَعْمَالِهَا! اِي پَرِسْتَارِ مَاهِرِ، دَرِ اَنْجَامِ كَارِهَائِتِ تَنْبَلِي مَكْن!
- (۳) شَاهِدِ الطَّلَابَ دَرَجَاتِهِمْ فِي الصَّفِّ فَائِزِينَ: نمره دانش‌آموزان کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!
- (۴) صَادِقِ الَّذِي يُشْفِقُ عَلَيْكَ وَ اَنْتَ فِي غَفْلَةٍ! اَنْ كِه دِلْسُوزِ تُو اِسْتِ، بَا تُو دُوسْتِي كَرْدِ دَرِ حَالِيكِه غَافِلِ بُوْدِي!

۳۰۱- عَيْنِ الْخَطَا:

ریاضی ۹۱

- ۱) حِينَ كَانَ الْمُدِيرُ يُعَلِّقُ الْوَسَامَ عَلَى التَّلْمِيزِ الْمِثَالِي قَالَ لَهُ: لَمْ يُشَاهِدْ فِي الْمَدْرَسَةِ مَنْ يُشْبِهُكَ: مدير هنگامی که نشان را بر گردن دانش آموز موفق آویزان می کرد به او گفت: کسی مانند تو در مدرسه دیده نخواهد شد!
- ۲) لِأَجْعَلَ ذَلِكَ الشَّهِيدَ أُسْوَةً لِنَفْسِي لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ تَحَمَّلَ الْمَصَاعِبَ وَ أَصْبَحَ عَالِمًا كَبِيرًا: باید آن شهید را الگویی برای خود قرار دهم زیرا او سختی ها را تحمل کرده و دانشمند بزرگی شده بود.
- ۳) لَا أَتَذَكَّرُ أَنِّي قَدْ وَاجَهْتُ حَقَائِقَ حَيَاتِي الْمَرَّةَ بِتَشَاؤُمٍ وَقَلْبِي وَ يَأْسٍ: به خاطر نمی آورم که با حقایق تلخ زندگی ام با بدبینی و اضطراب و نومیدی مواجه شده باشم!
- ۴) لَا تُعَاشِرِي الَّتِي تَكْذِبُ مِنْ أَجْلِ زَخَارِفِ الدُّنْيَا أَبَدًا: هرگز با کسی که به خاطر زر و زیورهای دنیا دروغ می گوید، معاشرت مکن!

۳۰۲- عَيْنِ الصَّحِيح:

زبان ۹۳

- ۱) أَلْيَ هَذَا الْحَمْلِ الثَّقِيلِ عَلَى الْأَرْضِ: این بار گران را به زمین انداخت!
- ۲) كَانَتْ الْبِلَادُ الْمُتَقَدِّمَةُ تَصْنَعُ مِعْدَاتٍ حَدِيثَةً: کشورهای پیشرفته تجهیزات جدیدی می ساختند!
- ۳) تَعَجَّبْتُ مِنْ رَاحَةٍ وَزِدَةٍ جَمِيلَةٍ فِي حَدِيقَةِ بَيْتِنَا: از بوی گل های زیبای باغچه منزلمان تعجب کردم!
- ۴) انْتَهَتِ الْمَسْرُوحِيَّةُ بِنَجَاحٍ فَصَفَّقَ الْحَاضِرُونَ: نمایشنامه با موفقیت به پایان رسید، در حالی که حضار دست می زدند.

۳۰۳- عَيْنِ الْخَطَا:

تجربی ۹۵

- ۱) قَالَ الْمَعْلَمُ لِمَتَعَلَّمِيهِ تَكَلَّمُوا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: معلم به دانش آموزانش گفت به وجهی که بهتر است سخن بگوئید.
- ۲) نَحْنُ نَصَلِّي لِلَّهِ مُطَالِبِينَ الْمَعُونَةَ الْإِلَهِيَّةَ مِنْهُ: ما نماز می خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!
- ۳) قَلْبُ هَذَا الْمُؤْمِنِ كَأَنَّهُ قَدْ فَرَعَ مِنْ غَيْرِ اللَّهِ: قلب این مؤمن گویی از غیر خدا خالی شده است.
- ۴) جَمَالَ الْعِلْمُ وَالْأَدَبُ زِينَةً لَا تَزُولُ: زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی شود.

سؤالات مفهوم

۳۰۴- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُوم:

- ۱) جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ
- ۲) هر باطلی که ببند گوید که هست حق / حقی که رفت گوید باطل همی رود
- ۳) كان چشمه که خضر یافت آنجا / با دیو فرشته نیست همبر
- ۴) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد / دیو چو بیرون رود فرشته درآید

۳۰۵- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُوم:

- ۱) ﴿مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: تَوَكَّلْ عَلَى الرَّحْمَنِ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ / فَمَا خَابَ حَقًّا مَنْ عَلَيْهِ تَوَكَّلَا (خَابٌ = يَيْسُ)
- ۲) النَّاسُ عَلَى دِينِ مِلُوكِهِمْ: أَيُّهَا النَّاسُ، اِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ
- ۳) ﴿إِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾: الْكُفْرُ بِالْتَّعَمَّةِ يَدْعُو إِلَى / زَوَالِهَا وَ الشُّكْرُ أَبْقَى لَهَا (أَزِيدَنَّ: زیاد کردن)
- ۴) سَلِ الْمَصْنَعِ رَكْبًا تَهِيمٍ فِي الْفُلُوتِ: إِنَّمَا يَعْرِفُ قَدْرَ الْعِلْمِ مَنْ / سَهَرَتْ عَيْنَاهُ فِي تَحْصِيلِهِ (سَهَرَتْ: بیدار ماند)

۳۰۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِمَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «إِنَّ الْكَلَامَ لَفِي الْفُؤَادِ وَ إِنَّمَا / جُعِلَ اللِّسَانُ عَلَى الْفُؤَادِ دَلِيلًا» (الْفُؤَادُ: الْقَلْبُ):

- ۱) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم تنها چه حاجت است؟
- ۲) حیف است بلبلی چو من اکنون در این قفس / با این لسان عذب که خامش چو سوسنم
- ۳) هیچ شبان بی عصا و کاسه نباشد / کاسه من دفتر و عصاست لسانم
- ۴) کوشم که نام تو نبرم، لیک چون کنم؟ / چون هرچه در دل است مرا بر زبان رود

۳۰۷- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ: «جِرَاحَاتُ الْحُسَامِ لَهَا التِّبَاؤُ وَ لَا يَلْتَمِيهِ مَا جَرَحَ اللِّسَانُ».

- ۱) ز زخم سنان بیش زخم زبان / که این تن کند خسته و آن روان
- ۲) جانا کدام سنگ دل بی کفایت است / کو پیش زخم تیغ تو جان را سپر نکرد؟
- ۳) آنچه زخم زبان کند با من / نکند زخم شمشیر جان بیستان
- ۴) زخم کان از زبان یاران است / بدتر از زخم تیرباران است

۳۰۸- عَيْنِ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ التَّبِيَةِ: «الْمَالُ يَفْنَى وَ يَبْقَى / وَ الذِّكْرُ أَبْقَى وَ أَجْمَلُ».

- ۱) نام باقی در زوال مال فانی بسته است / کز سخاوت بر زبان ها نام حاتم مانده است
- ۲) جهان بی ما بسی بوده است و باشد / برادر، جز نکونامی میندوز
- ۳) در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند / گر تو نمی پسندی، تغییر ده فضا را
- ۴) بدین رواق زبرجد نوشته اند به زر / که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

۳۰۹- عَيْنِ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ».

- (۱) زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد/ بهوش باش، که سر در سر زبان نکنی
(۲) ای زبان، تو بس زبانی مر مرا/ چون تویی گویا، چه گویم من تو را
(۳) سرت را از زبان، بیم هلاک است/ و زو در سر، خِزْد اندیشناک است
(۴) به کوشش توان دجله را پیش بست / نشاید زبان بداندیش بست

۳۱۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا».

- (۱) خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ سُرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ
(۲) ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴾
(۳) مَا فَعَلْتُمْ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتُمَهَا دَخِيرَةً لِأَخْرَجْتُمْ
(۴) اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا

تجربی ۹۷

۳۱۱- ﴿ لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴾. عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) به عمل کار برآید، به سخندانی نیست!
(۲) سخن چو گفته شد، آن به که دل را بدان بپردازی!
(۳) عَمَلٌ قَلِيلٌ مَعَ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ مَعَ الْجَهْلِ!
(۴) سخن آن گو، چه با دشمن چه با دوست / که هر کو بشنود، گوید که نیکوست!

ریاضی ۹۷

۳۱۲- «خَيْرُ الْأَشْيَاءِ جَدِيدُهَا». عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) چو عشق نو کند دیدار در دل/ کهن را کم شود بازار در دل
(۲) نو که آمد به بازار/ کهنه می‌شود دل‌آزار
(۳) کهنه‌دوزان گر بیدشان صبر و حلم/ جمله نودوزان شدندی هم به علم
(۴) درم هرگه که نو آمد به بازار/ کهن را کم شود در شهر مقدار

زبان ۹۷

۳۱۳- «رَبِّ عَالَمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ، وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) جهل خوابست و علم بیداری/ زان نهانی و زین پدیداری!
(۲) علم چندان‌که بیشتر خوانی/ چون عمل در تو نیست، نادانی!
(۳) ز نادان نیابی به‌جز بدتری/ نگر سوی بی‌دانشان ننگری!
(۴) علم نور است و جهل تاریکی/ علم راحت برد به باریکی!

هنر ۹۷

۳۱۴- عَيْنٌ مَا لَا يُنَاسِبُ مَفْهُومَ الْعِبَارَةِ: «يَجِبُ أَنْ تَتَسَلَّقَ أَغْصَانَ الشَّجَرِ حَتَّى تَقْتَطِفَ الثَّمَرَاتِ الْخُلُوةَ».

- (۱) نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود!
(۲) هرکه طاووس خواهد، جور هندوستان کشد!
(۳) رنج بردار تا بیابی خنج/ رنج، ماری است خفته بر سر گنج
(۴) شاخ بی میوه کشد سر به قیام/ شاخ پر میوه شود خم به سلام

خارج ۹۷

۳۱۵- «لَا تَنْظُرْ إِلَى ذِقَاتِ الْحَيَاةِ الْمَاضِيَةِ، بَلْ أَنْظُرْ إِلَى ذِقَاتِهَا الْبَاقِيَةِ». عَيْنٌ مَا لَا يُنَاسِبُ مَفْهُومَ الْعِبَارَةِ:

- (۱) نیمه خالی لیوان را نبین!
(۲) لَا تَتَحَسَّرْ عَلَى مَا سَبَقَ!
(۳) بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین!
(۴) اِسْتَفِدْ مِمَّا بَقِيَ لَكَ مِنَ الْفُرْصِ!

انسانی ۹۷

۳۱۶- «لَا نَعِيشُ إِلَّا لِلَّهِ». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) ﴿ إِنَّ صَلَاتِي ... وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴾
(۲) ﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا ﴾
(۳) ﴿ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴾
(۴) ﴿ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ﴾

هنر ۹۱

۳۱۷- «طَبِيبٌ يُدَاوِي النَّاسَ وَ هُوَ مَرِيضٌ». عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) پندم چه دهی نخست خود را / محکم کمری ز بند دربند!
(۲) درد در عالم ار فراوان است/ هر یکی را هزار درمان است!
(۳) پزشکی که باشد به تن دردمند/ ز بیمار چون باز دارد گزند!
(۴) پزشکی که خود باشدش زرد روی/ از او داروی سرخ‌روئی مجوی!

۳۱۸- «قُلْتُ فِي نَفْسِي: أَنْظُرْ، كَيْفَ أَحَدَتْ قَطْرَاتُ الْمَاءِ الصَّغِيرَةِ نُقْبًا فِي الصَّخْرَةِ! هَلْ أَنْتَ أَقَلُّ مِنْ هَذِهِ الْقَطْرَاتِ؟» تَدُلُّ الْعِبَارَةُ عَلَى ...

- (۱) الْإِرَادَةُ الْقَوِيَّةُ
(۲) حُبُّ النَّفْسِ
(۳) الشَّهَامَةُ وَ الشُّجَاعَةُ
(۴) قَطْرَاتِ الْمَاءِ الصَّغِيرَةِ

۳۱۹- «بد اصل گدا، چو خواجه گردد نه نکوست/ مغرور شود، نداند از دشمن دوست» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) كُلُّ إِنَاءٍ يَتَرَشَّحُ بِمَا فِيهِ
(۲) لَا يَصِيرُ الْعُدُوُّ صَدِيقًا بِالتَّعَطُّفِ
(۳) طَارَ الْوُشَاءُ عَلَى صَفَاءِ وَدَادِهِمْ (وُشَاءُ: سخن‌چینان)
(۴) مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقْلَلَ السُّوَابِيَا (اسْتَقْلَلَ: کوچک می‌شمارد)

تجربی ۹۲

۳۲۰- «اعْمَلْ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ مُجَازِيهِ بِإِسَاءَتِهِ وَ إِحْسَانِهِ». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- (۱) وَ مَا تَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ!
(۲) مَا يَعْمَلِ الْإِنْسَانُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ يُحَاسِبُ عَلَيْهِ!
(۳) الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلُ الْعَلَانِيَةِ!
(۴) مَنْ يَعْمَلِ الْخَيْرَ يَنْتَفِعُ بِهِ فِي النَّهَائَةِ!

■ کلمه عبارتی ترجمه‌اش خطا برای سئله‌ی تالیفی (۳۲۱ - ۳۲۵).

-۳۲۱

- (الف) ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾: و سست نمی‌شوید و غمگین نمی‌گردید، در حالی که شما بالاتر هستید.
 (ب) ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾: مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران مژده‌دهنده را فرستاد.
 (ج) ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾: ای نفس مطمئنه، راضی و راضی‌شده (از تو) به سوی پروردگارت برمی‌گردی.
 (د) ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾: سرپرست شما فقط خدا و پیامبرش و کسانی هستند که نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند در حالی که در رکوع هستند.

(۱) واحده (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أَرْبَع

-۳۲۲

- (الف) كُنْتُ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقِي السَّاعِي إِلَى الْمَكْتَبَةِ لِنَقْرَأَ هُنَاكِ كِتَابًا رَائِعًا: با دوستم تلاشگرانه به کتابخانه می‌رفتم تا آنجا کتاب جالبی را بخوانیم.
 (ب) كَانَ الْفَلَّاحُونَ يَزْرَعُونَ بُدُورًا مُخْتَلِفَةً فِي مَزَارِعِ الْقَرْيِ: کشاورزان در مزرعه‌های روستا، بذره‌های مختلفی کاشته بودند.
 (ج) شَاهِدْنَا جَمَاعَةً مِنَ الْمَسَافِرِينَ كَانُوا وَاقِفِينَ أَمَامَ الْأَبَارِ: گروهی از مسافران را می‌بینیم که جلوی چاه آب ایستادند.
 (د) جَرَّ زَمِيلِي الْمَصْلُحُ سِيَّارَتَهُمُ الْمُعْطَلَةَ بِالْجَزَارَةِ وَأَخَذَهَا إِلَيَّ مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ السِّيَّارَاتِ: همکارم که تعمیرکار است، ماشین از کار افتاده‌اش را با تراکتور می‌کشید و آن را به گاراژ تعمیر ماشین‌ها می‌برد.

(۱) واحده (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أَرْبَع

-۳۲۳

- (الف) ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾: پروردگار ما، در دنیا به ما نیکی داد و در آخرت نیکی [داد].
 (ب) ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾: حق آمد و باطل (از بین) رفت.
 (ج) ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾: از شکیبایی و نماز، کمک گرفتید.
 (د) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾: هر نفسی، مرگ را می‌چشد.

(۱) واحده (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أَرْبَع

-۳۲۴

- (الف) سَمِّيَ الْفَارَابِيُّ «الْمُعَلِّمَ الثَّانِي» لِأَنَّهُ شَارِحُ مَوْلاَفَاتِ «الْمُعَلِّمِ الثَّانِي» الْعَالِمِ الْيُونَانِيِّ أَرْسَطُو: فارابی «معلم ثانی» نامیده می‌شود زیرا نوشته‌های «معلم ثانی»، دانشمند یونانی ارسطو را شرح داده است.
 (ب) كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ كُرَةَ السَّلَّةِ نَشِيطِينَ وَبَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا فَرِحِينَ: کودکان، با نشاط بسکتبال بازی می‌کردند و بعد از بازی، خوشحال شدند.
 (ج) بَعْدَ أَنْ نَزَلَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ شَاهَدَتِ الْأَرْضُ مَحْضَرَةً: بعد از اینکه از آسمان باران بارید، زمین سرسبز را دیدی.
 (د) يَذْهَبُ السِّيَّاحُ إِلَى الْأَمَاكِينِ التَّارِيخِيَّةِ وَهُمْ مَسْرُورُونَ: گردشگران به مکان‌های تاریخی می‌روند در حالی که خوشحال هستند.

(۱) واحده (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أَرْبَع

-۳۲۵

- (الف) تَحْمِلُ الْفَالَاخَةُ الْحَجَرَ وَهِيَ ثَقِيلٌ (تجربی ۹۵ با تغییر): کشاورز سنگ سنگین را برمی‌دارد.
 (ب) سَاعَدَتِ الْأُمُّ أُخِي الصَّغِيرَ مَرِيضًا (تجربی ۹۵): مادر به برادر کوچکم در حالی که مریض بود کمک کرد.
 (ج) يَنَادِي هَذَا الْوَالِدُ ابْنَهُ وَهُوَ نَائِمٌ (تجربی ۹۵ با تغییر): این پدر، پسرش را در حالی که خواب است صدا می‌زند.
 (د) سَجَّعَ هُوَلَاءِ الرَّمْلَاءِ الطَّالِبِ النَّمُودَجِيَّ مَسْرُورِينَ (تجربی ۹۵ با تغییر): این همکلاسی‌ها دانش‌آموز نمونه خوشحال را تشویق کردند.

(۱) واحده (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أَرْبَع

■ ■ ■ کَمِ عِبَارَةٍ أَخْطَأَ تَرْجَمَتِهَا عَلَيَّ حَدَّ سَوَاءٍ لِأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۳۲۶-۳۳۰)؟

-۳۲۶

زبان ۹۵ با تغییر

- الف) تَعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ فِي طَرِيقِهِ خَاضِعَاتٍ: با خشوع، در راه خدا به ریسمانش چنگ می‌زنیم.
 ب) تُشَاهِدُنِي الْأَخْتُ مَشْغُولَةً بِالْمُطَالَعَةِ: خواهرم، من را مشغول به مطالعه می‌بیند.
 ج) سَاعَدْتُ أَحَدَ الْأَصْدِقَاءِ شَاكِرَةً عَلَيَّ عَمَلِهِ: یکی از دوستان به من کمک کرد در حالی که از کارش سپاسگزار بودم.
 د) زُرْتُ أَبَاكَ يَوْمَ أَمْسٍ فَرِحَةً: دیروز، با خوشحالی پدرت را ملاقات کردم.
- (۱) صِفْرٌ (۲) اثْنَتَانِ (۳) ثَلَاثٌ (۴) أَرْبَعٌ

-۳۲۷

هنر ۹۵

- الف) تَعَلَّمْتُ مِنَ الدَّهْرِ أَنْ أَعْفُو النَّاسَ قَادِرًا: از روزگار آموختی که با توانایی، مردم را ببخشی.
 ب) قَطَعْتُ مَسَافَةً بَعِيدَةً لَزِيَارَةِ وَالِدِي مُفْتَخِرًا: برای دیدار فرزندانم مسافت دوری را با افتخار می‌پیمایم.
 ج) سَاعَدَنِي أَوْصِيَاءِي فِي فَهْمِ الدَّرُوسِ مَسْرُورِينَ: هم‌کلاسی‌هایم با خوشحالی در فهمیدن درس به من کمک کردند.
 د) يُرْشِدُنَا مَعْلَمُنَا إِلَى الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ مُشْفِقًا: معلممان با دلسوزی ما را به راه راست هدایت می‌کند.
- (۱) صِفْرٌ (۲) اثْنَتَانِ (۳) ثَلَاثٌ (۴) أَرْبَعٌ

-۳۲۸

- الف) رَأَيْتُ أَحَاكَ الْوَحِيدَ الصَّغِيرَ الْيَوْمَ نَاجِحًا: امروز، برادرِ تنهایی کوچکت را موفق دیدم.
 ب) يَا أَبَتَاهَا الْوَالِدَانِ؛ عَلِمَا أَوْلَادَكُمَا مُشْفِقِينَ عَلَيْهِمْ: ای پدر و مادر! فرزندانان را یاد می‌دهید در حالی که نسبت به آنان دلسوز هستید.
 ج) أَوْصِيَاءِي؛ أَسْرِعُوا إِلَيَّ لِإِصْلَاحِ أَعْمَالِكُمْ مُجْتَهِدِينَ: دوستان تلاشگرم به سوی اصلاح کارهایتان شتافتند.
 د) اسْتَقْبَلْتُ الْعَائِدِينَ مِنَ مَكَّةِ الْمُكْرَمَةِ مُشْتَاقًا لِزِيَارَتِهِمْ: به استقبال بازگشتگان مشتاق از مکه مکرمه رفتم.
- (۱) صِفْرٌ (۲) اثْنَتَانِ (۳) ثَلَاثٌ (۴) أَرْبَعٌ

-۳۲۹

انسانی ۹۱ با تغییر

- الف) إِنَّ تَقَدُّمَنَا نَحْوَ الْأَمَامِ أَفْضَلُ مِنْ أَنْ نَقِفَ مُنْتَظِرِينَ!: اگر به سوی جلو پیشرفت کنیم، بهتر از این است که منتظرانه بایستیم.
 ب) رَكِبَ الْمُسَافِرُونَ فِي الْقِطَارِ مُسْتَعْجِلِينَ خَوْفًا مِنْ حَرَكَتِهِ قَبْلَ الْمَوْعِدِ! مسافران سوار قطارِ سریع‌السیر می‌شوند به‌خاطر ترس از حرکتش قبل از موعد.
 ج) فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ نُوَاجِهُ فُرْصًا كَثِيرَةً وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ يُضَيِّعُونَهَا!: در زندگی روزانه‌مان با فرصت‌های زیادی روبه‌رو شده‌ایم ولی بیشتر مردم آن‌ها را از دست داده‌اند.
 د) نَزَى الشَّبَابُ نَشِيطِينَ فِي الْمَجْتَمَعِ حَتَّى يَصِلُوا إِلَى أَهْدَافِهِمْ!: جوانان را با نشاط برای رسیدن به اهدافشان در دانشگاه می‌بینیم.
- (۱) صِفْرٌ (۲) اثْنَتَانِ (۳) ثَلَاثٌ (۴) أَرْبَعٌ

-۳۳۰

- الف) أَضْبَحْتُ مَآيُوسًا جَدًّا لِأَنِّي مَا كُنْتُ أَشَاهِدُ تَقَدُّمًا فِي دُرُوسِي: حقیقتاً مأیوس بودم زیرا پیشرفتی در درس‌هایم ندیده بودم.
 ب) اسْتَشْرَكَ طُلَّابٌ فِي هَذِهِ الْجُلُوسَةِ يَتَحَدَّثُونَ حَوْلَ مَشَاكِلِهِمُ الدَّرَاسِيَّةِ: دانشجویانی در این جلسه شرکت خواهند کرد که درباره مشکلات درسی‌شان سخن می‌گویند.
 ج) هُنَاكَ حَدَائِقُ جَمِيلَةٌ فِي مَدِينَتِنَا أَنْتَفِعُ بِهَا فِي جَمِيعِ الْأَيَّامِ فَرِحًا: باغ‌های زیبایی در شهر ما وجود دارد که در تمام روزها با خوشحالی به من سود می‌رسانند.
 د) كَانَ زَمَلَائِي شَارِكُوا فِي مُسَابَقَاتٍ كَثِيرَةٍ فِي مَجَالِ كُرَةِ الْبَدِّ كَأَفْرِقَةِ رِيَاضِيَّةٍ: هم‌کلاسی‌هایم به عنوان تیم ورزشی در مسابقات زیادی در زمینه بسکتبال شرکت کردند.
- (۱) صِفْرٌ (۲) اثْنَتَانِ (۳) ثَلَاثٌ (۴) أَرْبَعٌ

■ عَيْنَ عِبَارَةٍ أَخْطَاءَ تَرْجَمَتِهَا أَكْثَرُ لِلْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۳۳۱ - ۳۳۶).

-۳۳۱

- (۱) أخيراً نَجَحَ الْعُلَمَاءُ فِي إِسْرَالِ أَقْمَارٍ صِنَاعِيَّةٍ إِلَى الْقَمَرِ وَ الْكَوَاكِبِ الْأُخْرَى كَانَتْ فِي دَاخِلِهَا آلَاتٌ عِلْمِيَّةٌ وَ حَدِيثُهُ لِيُنْحَثُوا أَوْضَاعَ الْجَوِّ حَوْلَ الْأَرْضِ: سرانجام دانشمندان موفق شدند قمرهایی مصنوعی به ماه و ستارگان بفرستند که در داخلشان ابزارهایی علمی و تازه گذاشته شده بود تا در مورد اوضاع هوا در اطراف زمین تحقیق کنند.
- (۲) تَخْتَلِفُ الْأَقْمَارُ الصَّنَاعِيَّةُ الَّتِي تَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ، فَبَعْضُ أَقْمَارِ الْاتِّصَالِ يَصِلُ وَزْنُهَا إِلَى ثَلَاثَةِ أَطْنَانٍ: قمرهای مصنوعی ای که دور زمین می چرخند، فرق دارند، و برخی از قمرهای مخابراتی وزنشان به سه تن می رسد.
- (۳) اسْتَطَاعَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَخْتَرِعَ آلَاتٍ وَ سَفُنًا وَ طَائِرَاتٍ تُقَرِّبُ الْمَسَافَاتِ الْبَعِيدَةَ: انسان توانست که ابزارها و کشتی ها و هواپیماهایی اختراع کند که مسافت های دور را نزدیک ساخته است.
- (۴) الْقَمَرُ الصَّنَاعِيُّ سَبَابَةٌ تَسْبُحُ فِي الْفَضَاءِ لِإِدَاءِ خَدَمَاتٍ مَعَيَّنَةٍ مِنْهَا الْأَبْحَاثُ الْعِلْمِيَّةُ: قمر صنعتی (مصنوعی)، وسیله ای است که برای انجام خدمات مشخصی در فضا گردش می کند، از جمله بحث های علمی.

-۳۳۲

- (۱) عِنْدَمَا تَأْخُذُ يَدَ الْأَخْرَبِ لِإِسَاعِدِهِمْ، فَاعْلَمْ أَنَّ يَدَ الْأُخْرَى فِي يَدِ اللَّهِ (خارج ۹۵): هرگاه دست دیگران را برای یاری کردنشان بگیری، بدان که دست دیگر در دست خداست.
- (۲) لَيْتَنِي اسْتَطَيْعُ أَنْ أَبَدِّلَ اللَّوْثَيْنِ الْإِثْنَيْنِ لِبَاطِنِي لَوْنًا وَاحِدًا إِلَهِيًّا، بِمُصَاحَبَةِ الْمُؤْمِنِ (انسانی ۹۵): کاش بتوانم دو رنگ درونم را با همنشین من مؤمن به یک رنگ خدایی تبدیل کنم.
- (۳) عِنْدَمَا رَأَيْتُ أَنَّ زَمِيلَتِي قَدْ حَفِظَتْ ثَلَاثَةَ آيَاتٍ مِنَ الْقَصِيدَةِ، أَنَا أَيْضًا حَفِظْتُ عَشْرِينَ بَيْتًا (تجربی ۹۴ با تغییر): وقتی دیدم دوستم سه بیت از یک قصیده را حفظ کرده، من هم ده بیت حفظ کردم.
- (۴) عِنْدَمَا سَأَلْتُ الطَّبِيبَ: كَيْفَ تَرَى حَالَةَ هَذَا الْمَرِيضِ؟ أَجَابَ: أَدْعُوا لَهُ بِالشِّفَاءِ (ریاضی ۹۴): وقتی از پزشک پرسیدم وضع این بیمار را چگونه می بینی؟ جواب داد: برایش شفا دعا می کنم.

-۳۳۳

- (۱) إِنَّ الْحَوَاسِبَ الَّتِي سَوْفَ تَحْضُلُ عَلَيْهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ الْقَرِيبِ، رُبَّمَا تَكُونُ كَلْبًا أَوْ قِطًّا أَوْ غَرَابًا رُوبُوتِيًّا: قطعاً کامپیوتری که در آینده نزدیک بر آن ها دست می یابی، چه بسا یک سگ یا یک گربه یا یک آهوی الکترونیکی باشد.
- (۲) وَإِذَا أَرَدْتُ فَإِنَّ الْكَلْبَ الرَّبُوتِيَّ يُمَكِّنُهُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ يَقُولَ لَكَ أَهَمَّ الْأَحْدَاثِ الَّتِي كُنْتُ فِي الصَّحِيفَةِ: و اگر بخواهی، سگ رباتی برایش امکان پذیر است که سخن بگوید و رویدادهای مهمی را که در روزنامه نوشته شده به تو بگوید.
- (۳) هَلْ تَتَصَوَّرُ أَنَّكَ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ سَوْفَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَّصِلَ بِالْإِنْتَرْنِتِ دُونَ اسْتِخْدَامِ حَاسُوبٍ أَوْ تَلْفَازٍ أَوْ حَتَّى هَاتِفِ جَوَّالٍ؟: آیا تصور می کنی که در روزی از روزها خواهی توانست بدون یک کامپیوتر یا یک تلویزیون یا حتی یک تلفن همراه، به اینترنت وصل شوی؟
- (۴) يَسْتَطِيعُ مُسْتَحْدِمُ الْقَلَمِ الْإِلِكْتْرُونِيِّ أَنْ يَسْتَلِمَ وَ يُرْسِلَ الرِّسَالَةَ الْإِلِكْتْرُونِيَّةَ دُونَ الاسْتِعَانَةِ بِالْحَاسُوبِ: به کارگیرنده قلم الکترونیکی می تواند که بدون کامپیوتر، نامه الکترونیکی دریافت کند و بفرستد.

-۳۳۴

- (۱) سَافَرْتُ إِلَى السَّاطِئِ لِتَنْتَفِعَ عَيْونِي بِجَمَالِ الْبَحْرِ، فَكُنْتُ أَحَدْتُ مَعِي مَا اسْتَطِيعُ أَنْ أَحْمِلَهُ: به ساحل سفر کرده ام تا چشمم زیبایی دریا را حس کند، پس با خودم آنچه را که می توانستم حمل کنم، برداشتم.
- (۲) لَمَّا وَصَلْتُ هُنَاكَ، رَأَيْتُ ذَلِكَ الْمَشْهَدَ الرَّائِعَ الَّذِي يَسُرُّ النَّاطِرِينَ: كَانَ الْبَحْرُ أَمَامِي بِعَظَمَتِهِ وَ مِجَاهِهِ الْكَثِيرَةِ: هنگامی که به آنجا رسیدم، آن صحنه جالبی که بینندگان را شاد می کند، دیدم: دریا با عظمتش و آب فراوانش روبه رویم بود.
- (۳) عِنْدَمَا رَأَيْتُ سَفِينَةً صَغِيرَةً تَحْمِلُ السِّيَاحَ، فَرِحْتُ كَثِيرًا فَعَزَمْتُ أَنْ أَزْكِبَهَا وَ أَزُورَ مِياهِ الْبَحْرِ عَنْ قَرِيبٍ: هنگامی که یک کشتی کوچک که گردشگران را حمل می کرد ما را دید، بسیار خوشحال شدم پس تصمیم گرفتم که بر آن سوار شوم و آب های دریا را از نزدیک ببینم.
- (۴) وَ لَمَّا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، حَسِبْتُهَا تَسْقُطُ فِي الْبَحْرِ، لِكُنِّي تَدَكَّرْتُ أَنَّ الشَّمْسَ تَعُوبُ بِسَبَبِ دَوْرَانِ الْأَرْضِ: و هنگامی که خورشید غروب کرد، پنداشتم که در دریا سقوط می کند، ولی به یاد آوردم که خورشید به دلیل چرخش زمین غروب می کند.

-۳۳۵

- (۱) إِنَّ تَسْمَعُوا الْكَلَامَ الْحَقَّ وَ تَعْمَلُوا بِهِ فِي حَيَاتِكُمْ يَفْتَحِ اللَّهُ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ عَلَيْكُمْ! (رياضی ۹۴ با تغییر): اگر سخن حق را بشنوید و در زندگی به آن عمل کنید، خداوند در رحمتش را بر شما باز می‌کند.
- (۲) قَدْ اِسْتَرَيْنَا الْخُبْرَ وَ الْجُبْنَ وَ مَرَّتِي الْمِشْمِشِ وَ هَيَّأْنَا الْفُطُورَ فَهَلْ تَتَنَاوَلُ مَعَنَا؟ نان و پنیر و مربای زردآلود می‌خریم و صبحانه آماده می‌کنیم، پس آیا دوست داری همراه ما بخوری؟
- (۳) إِنَّ تَتْرُكُ صَدِيقَكَ فِي الشَّدَائِدِ وَحِيداً، أَفَلَا تَخَافُ أَنْ يُهَدِّدَهُ حَظَرٌ؟ اگر در سختی‌ها دوستت را تنها رها کنی، پس آیا خطری وی را تهدید نمی‌کند؟
- (۴) إِنَّ تَعْلِنَ الْمَدْرَسَةَ مَوْعِدَ الْاِمْتِحَانِ يُحَاوِلِ التَّلَامِيذُ كَثِيراً! (رياضی ۹۴ با تغییر): اگر مدرسه زمان امتحانات را اعلام کند دانش‌آموزان بیشتر تلاش می‌کنند.

-۳۳۶

- (۱) لِنَفْرَأَ حَيَاةَ الْعُلَمَاءِ الْكِبَارِ لِنَكْتَسِبَ مِنْ فَضَائِلِهِمْ! ما زندگی دانشمندان بزرگ را می‌خوانیم تا از فضیلت‌هایشان کسب کنیم.
- (۲) إِنَّ الْآخِرَةَ مِنْ أَقْرَبِ الْبُيُوتِ إِلَى رِضَى اللَّهِ وَ أَبْعَدَهَا مِنْ غَضَبِهِ! قطعاً آخرت از نزدیک‌ترین خانه‌ها به رضای خدا و دورترینشان از خشم اوست.
- (۳) عِنْدَمَا تَزْجَعُونَ مِنَ السَّفَرِ سَارِئِينَ الْبَيْتِ بِمَصَابِيحِ جَمِيلَةٍ حَمْرَاءَ لَمْ يُشَاهَدْ مِثْلَهَا! هرگاه از سفر برمی‌گردید، خانه را با چراغ‌های زیبای قرمزی که مثل آن را ندیده‌ای تزئین می‌کنیم.
- (۴) رَأَيْتُ مَدَارِسَ وَ مَشَاهِدَ حَضْرَاءَ فِي بَلَدِكُمْ لَا يُوجَدُ فِي بَلَدِنَا مِثْلَهَا! مدارس و منظره‌های سرسبزی در شهرتان دیدم که در شهر ما مانند آن‌ها یافت نمی‌شود.

■ ■ ■ اِمْلَأْ الْفُرَاغَاتِ بِكَلِمَةٍ تُنَاسِبُ الْإِبْرَارَةَ لِلْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۳۳۷-۳۴۱).

الْعَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ لِيَلَّأَ شَاهِدُوا مَنَاتِ الْمَصَابِيحِ... (۳۳۷) الَّتِي يَنْبَعِثُ صَوُّهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ... (۳۳۸) ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ... (۳۳۹) فِيهِ الْعَوَاصُونَ التِّقَاطُ صَوْرٍ فِي أَصْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَصْوَاءَ... (۳۴۰) مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ... (۳۴۱) الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمَدْنِ؟

-۳۳۷

(۱) الْمُضِيئَةُ (۲) الْمُتَكْسِرَةُ (۳) الْمُعْلَقَةُ (۴) الْمَصْنُوعَةُ

-۳۳۸

(۱) تَقُولُ (۲) تَحْوَلُ (۳) تَتَعَايَشُ (۴) تَتَصَادَمُ

-۳۳۹

(۱) لَا يَسْتَطِيعُ (۲) يَذْكَرُ (۳) يَتَعَوَّدُ (۴) يَقْدِرُ

-۳۴۰

(۱) تَغْرِسُ (۲) تَعْتِي (۳) تَنْبَعِثُ (۴) تَعْوَضُ

-۳۴۱

(۱) أَنْ لَا يَسْتَفِيدَ (۲) أَنْ يَعْرِمَ (۳) أَنْ يَسْتَحْدِمَ (۴) أَنْ لَا يَعْرِفَ

■ ■ ■ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصِّ لِلْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ (۳۴۲ - ۳۴۸):

زبان ۹۷ با تغییر

إِنَّ فِي سُلُوكِ النَّحْلِ (زنبور عسل) عَجَائِبَ وَ يَكْتَشِفُ الْعُلَمَاءُ كُلَّ يَوْمٍ الْمَزِيدَ مِنْهَا! النَّحْلُ يَعِيشُ فِي مَكَانٍ سَمِّيَ بِالْخَلِيَّةِ (كندو). عَدَدُ أَفْرَادِ الْخَلِيَّةِ حَوَالِي عَشْرَةِ آلَافٍ، وَ أَكْثَرُهَا عَامِلَةٌ تَحْدُمُ الْآخَرِينَ فِيهَا. فِي كُلِّ خَلِيَّةٍ مَلِكَةٌ وَاحِدَةٌ وَ حَوَالِي أَلْفٍ ذَكَرٍ يَقُومُونَ بِحِرَاسَتِهَا! قَدْ تَعِيشُ الْمَلِكَةُ الْحَدَّ الْأَعْلَى إِلَى خَمْسِ سَنَوَاتٍ وَلَكِنَّ الْعَامِلَاتِ لَا تَعْمُرُ - إِنَّ وُلْدَتُ فِي فَصْلِ الشِّتَاءِ - أَكْثَرَ مِنْ خَمْسَةِ أَشْهُرٍ، - وَ فِي فَصْلِ الصَّيْفِ - حَوَالِي خَمْسَةِ أَسَابِيعٍ. تَقُومُ الْعَامِلَاتُ بِتَغْذِيَةِ الذُّكُورِ طَوْلَ فَصْلِ الصَّيْفِ، وَلَكِنَّهَا مَعَ حُلُولِ الشِّتَاءِ تَقُومُ بِطَرْدِهَا مِنَ الْخَلِيَّةِ لِقِلَّةِ الْغِذَاءِ فِيهَا!

إِذَا دَخَلَتْ حَشْرَةٌ غَرِيبَةٌ خَلِيَّةَ النَّحْلِ، فَإِنَّ الْعَامِلَاتِ تَقْتُلُهَا فَوْرًا دُونَ إِذْذَارِ! ثُمَّ تَقُومُ بِرَمِّيِ (انداختن، پرتاب کردن) جُثَّتِهَا (لاشه) إِلَى الْخَارِجِ، أَمَا إِذَا كَانَتْ كَبِيرَةً تَلْقَى عَلَيْهَا مَادَّةً لِرِجَّةٍ تَجْمَعُهَا مِنْ أَشْجَارٍ خَاصَّةٍ. وَ قَدْ بَيَّنَّ الْعُلَمَاءُ أَحْيَرًا صِفَةً لِهَذِهِ الْمَادَّةِ وَ هِيَ أَنَّ الْمَادَّةَ تَمْنَعُ نَسْوَ الْجَرَائِمِ (جمعُ الجُرثومة، ميكروبها). فَهَذِهِ هِيَ بَعْضُ تِلْكَ الْعَجَائِبِ الَّتِي ظَهَرَتْ حَتَّى الْآنَ لِلْإِنْسَانِ!

ترجمه عبارت‌ها:

- الف) بر کسی که نمی‌تواند خودش را از مهلکه (گرفتاری) نجات دهد اعتماد نکن.
 ب) همانا انسان از تجربه‌ها سود می‌برد اگر از آن‌ها پند بگیرد و آن‌ها را جلوی چشمانش قرار دهد.
 ج) او در پیری ثمرات کارش را می‌چیند زیرا هنگام جوانی، در کشتش سبقت گرفته است (پیش‌تر آن را کاشته است).
 د) خورشید طلوع کرد و صبح ظاهر شد ولی چه کسی می‌داند آیا این صبح به شبش می‌رسد؟
 لای نفی جنس را مشخص کن. **۴ ۲۳۰**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) «ألا» حرف تنبیه (متوجه ساختن) است نه لای نفی جنس.
 ۲) «لا»ی اول حرف نفی است و پس از «لا»ی دوم اسمی نداریم که لا را به عنوان لای نفی جنس در نظر بگیریم.
 ۳) «لا» حرف عطف است.
 ۴) بعد از «لا»، عَجَبٌ آمده که اسم است، بنابراین لای نفی جنس می‌باشد.

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) هان، بدان هر چیزی غیر از خدا باطل است.
 ۲) نمی‌دانم که برادرم آیا در امتحان موفق شد یا نه.
 ۳) او و خانواده‌اش فقیر هستند نه ثروتمند.
 ۴) هیچ تعجبی نیست از این‌که تو پیروز شدی، زیرا تو خوب درس خواندی.
 درست را انتخاب کن: «خانه‌ای از خانه‌های عرب‌ها در تابستان؛ از پنبه و پارچه ساخته می‌شود.» **۳ ۲۳۱**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) کارگاه
 ۲) کارخانه
 ۳) چادر
 ۴) آزمایشگاه
 متن در مورد چه چیزی سخن می‌گوید: «دستگاهی الکترونیکی که تصویرهای برنامه‌ها و فیلم‌ها را به وسیله موج‌های برقی دریافت می‌کند.» **۲ ۲۳۲**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) دستگاه ضبط صوت
 ۲) تلویزیون
 ۳) چراغدان
 ۴) برق
 مقصود از جمله را مشخص کن: «قطعه‌ای ادامه‌دار از حرکت، که در یک دیدگاه از فیلم سینمایی یا غیر آن روی می‌دهد.» **۱ ۲۳۳**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) صحنه
 ۲) فروزان
 ۳) مُرداب
 ۴) پرستار
 درست را مشخص کن: «بلندای کوه.» **۳ ۲۳۴**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) ارزش
 ۲) ارزش‌ها
 ۳) قَلَه
 ۴) لیست، فهرست
 مقصود از این جمله چیست: «سازه‌ای مجهز به تجهیزاتی مرتب، در زمینی مسطح برای بلند شدن هواپیماها یا فرود آن‌ها.» **۲ ۲۳۵**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) گمرک
 ۲) فرودگاه
 ۳) خیابان
 ۴) پُل
 گزینه درست برای مفهوم جمله را مشخص کن: «گردش کردن در مکان‌های تاریخی.» **۳ ۲۳۶**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) ستیز کردن
 ۲) تلفن همراه
 ۳) گردش
 ۴) حالت بحرانی
 گزینه اشتباه را مشخص کن: «چه کسی به ورزشگاه می‌رود؟» **۲ ۲۳۷**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) تماشاچی‌ها
 ۲) آهوها
 ۳) داور
 ۴) بازیکنان
 گزینه درست را مشخص کن: «ماشینی است که دستگاه شخم‌زدن و غیره را می‌کشد.» **۴ ۲۳۸**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) کولر
 ۲) دستگاه چاپ
 ۳) اتوبوس
 ۴) تراکتور
 گزینه درست را مشخص کن: «مکان توقف ماشین‌ها و اتوبوس‌ها.» **۱ ۲۳۹**

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) ایستگاه
 ۲) کجاوه
 ۳) موزه
 ۴) داماسنج

گزینه درست را انتخاب کن: «ویژگی دستگاه یا وسیله‌ای که نیاز به تعمیر دارد».

۱ ۲۴۰

بررسی گزینه‌ها:

(۱) از کار افتاده، خراب (۲) کم‌شنا (۳) دانشنامه (۴) ریزان

در مورد جمع کلمات، درست را مشخص کن: «اشک، شهر، چادر، قلّه، نزدیک».

۴ ۲۴۱

بررسی گزینه‌ها:

(۱) یک قطره اشک، شهرها، چادردوز، ارزش‌ها، نزدیکان (۲) اشک‌ها، شهرها، چادردوز، ارزش، نزدیکی
(۳) یک قطره اشک، شهر مدائن، چادرها، قلّه‌ها، نزدیک کردن (۴) اشک‌ها، شهرها، چادرها، قلّه‌ها، نزدیکان

◆ نکته: مدائن، هم جمع مدینه است و هم اسم یک شهر در عراق می‌باشد.

بر اساس توضیحات، اشتباه را مشخص کن.

۳ ۲۴۲

بررسی گزینه‌ها:

(۱) نام غاری که پیامبر در راه هجرتش به مدینه به آن پناه برد: نُور (۲) این غار بر بالای کوهی بلند در مکه واقع است: حرا
(۳) کسی که اقدام به تعمیر ماشین‌های خراب می‌کند: اصلاحگر [درست آن، «مُصلِح: تعمیرکار» است]

(۴) به معنی «دختر کوچک من»: دخترکم.

در مورد متضاد یا مترادف، اشتباه را مشخص کن:

۳ ۲۴۳

بررسی گزینه‌ها:

(۱) کوچک‌ها \neq بزرگ‌ها (۲) خندان \neq گریان (۳) آمد \neq آمد (مترادفند) (۴) خوشحال = شاد

جوابی را مشخص کن که در آن یک کلمه ناهماهنگ با بقیه وجود دارد.

۲ ۲۴۴

بررسی گزینه‌ها:

(۱) غار، قلّه، کوه (۲) فرودگاه، هواپیما، جریان (طیار: خلبان)
(۳) تلویزیون، صحنه، فیلم‌ها (۴) مزرعه، تراکتور، کشت

اشتباه را مشخص کن:

۴ ۲۴۵

بررسی گزینه‌ها:

(۱) تلاشگر (۲) تلاشگر (۳) تلاشگر (۴) جوان

■ گزینه درست در ترجمه سؤالات (۲۴۶-۲۸۹) را مشخص کن.

۱ ۲۴۶

بررسی گزینه‌ها:

تُطَلِّقُ: رها می‌کند؛ فعل مضارع و متعدی، سوم شخص مفرد (ردّ سایر گزینه‌ها)
تُشْبِهُ: شباهت دارد، شبیه است؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
بِقُوَّةٍ: با قدرت؛ جار و مجرور؛ در گزینه (۳) به صورت صفت برای «رها کردن» ترجمه شده است.
السَّهْمُ: تیر؛ مفرد است نه جمع (ردّ گزینه ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۴ ۲۴۷

كَانَ جَلَسُوا: نشسته بودند؛ معادل ماضی بعید (ردّ سایر گزینه‌ها)

كَانُوا يَشَاهِدُونَ: نگاه می‌کردند؛ معادل ماضی استمراری (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)

وَهُمْ...: در حالی که آن‌ها...؛ واو حالیه است نه واو عطف. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

مُشْتَقِينَ: با اشتیاق، مشتاقانه؛ قید حالت (حال)؛ (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

بررسی گزینه‌ها:

۴ ۲۴۸

شَاهَدْنَا: فعل ماضی و معلوم؛ اول شخص جمع (ردّ سایر گزینه‌ها)

وَهُمْ يُهَيِّئُونَ: در حالی که خود را آماده می‌کردند؛ «واو» حالیه است و فعل مضارع جمله نیز به خاطر فعل ماضی «شَاهَدْنَا» در جمله قبل، به

صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

لِلذَّهَابِ: برای رفتن؛ جار و مجرور؛ ذَّهَاب مصدر است. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

حَتَّى يُسَافِرُوا: تا سفر کنند؛ معادل مضارع التزامی (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

۲۴۹ ۱ بررسی گزینه‌ها:

نَظَرٌ: نگاه کرد؛ فعل ماضی ساده (ردّ گزینه ۲) رَأَى: دید؛ فعل ماضی (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 مِنْ أَعْيُنِهِمَا: از چشمانشان (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴) در گزینه «۴» جای فاعل (الْوَلَدُ) و جار و مجرور (إِلَى الْوَالِدِيهِ) عوض شده است.
 دُمُوعُهُمَا: اشک‌هایشان؛ دُمُوع جمع است و «هُمَا» به «وَالِدَيْنِ» برمی‌گردد. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 «هنگامی‌که» در ترجمه اضافه است (ردّ گزینه ۳)

۲۵۰ ۳ بررسی گزینه‌ها:

سَأَلَنِي: از من پرسید؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد + «نون وقایه» + «ي»: مفعول (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
 «دیدم» در جمله عربی وجود ندارد (ردّ گزینه ۲)
 بَنِي: پسرکم؛ (ردّ سایر گزینه‌ها)
 لِمَ تَبْكِي: چرا گریه می‌کنی؛ لِمَ = لِمَاذَا + فعل مضارع؛ با «لَمْ» نباید اشتباه گرفته شود. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 «هنگامی‌که» و «زمانی‌که» در جمله عربی وجود ندارد (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 وَ قَدْ كُنْتُ: در حالی که بوده‌ای؛ «واو حالیه» است. (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۵۱ ۳ بررسی گزینه‌ها:

مَا أَجْمَلٌ: چه زیباست؛ (ردّ سایر گزینه‌ها)
 این اصطلاح، در درس دوم سال دهم آمده است؛ «ما» در اینجا برای پرسش یا نفی یا شرط نیست.
 الطَّفُولَةُ: کودکی؛ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) كُنَّا: بودیم؛ از افعال ناقصه، اول شخص جمع (ردّ سایر گزینه‌ها)
 نَلْعَبُ: بازی می‌کنیم؛ (اینجا: بازی می‌کردیم؛ چون بعد از یک اسم نکره آمده و فعل جمله قبل (كُنَّا) به صورت ماضی است، بنابراین به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود) (ردّ سایر گزینه‌ها)
 بَسَاتِينِ الْقَرْيِ: باغ‌های روستاها؛ ترکیب (مضاف + مضاف‌الیه) است؛ (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۵۲ ۱ بررسی گزینه‌ها:

حِينَ: هنگامی که، وقتی که، زمانی که (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) شَاهَدْتُ: دید؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد، مؤنث؛ (ردّ سایر گزینه‌ها)
 قَالَتْ: گفت؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) يَا لَيْتَنِي: ای کاش من، (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 أَسَافِرُ: سفر می‌کنم؛ در اینجا به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود زیرا بعد از «لَيْتَ» آمده است. (ردّ گزینه ۴)

۲۵۳ ۱ بررسی گزینه‌ها:

لَنْ أَسْتَطِيعَ: نخواهم توانست؛ معادل آینده منفی؛ اول شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 أَنْ أُؤَدِّيَ: که به جا بیاورم، که ادا کنم؛ مضارع التزامی، اول شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 السَّنَةِ الْقَادِمَةِ: سال آینده (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 زَوْجَةً: همسر، زن (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 أَصِيبَتْ: دچار شده است، مبتلا است؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 تَخْتِاجُ: نیاز دارد؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه ۲ و ۳)
 مَرَضِ السُّكَّرِ: بیماری قند (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

۲۵۴ ۴ بررسی گزینه‌ها:

بَنِي: پسرکم؛ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳) أَحِبُّ: دوست دارم؛ فعل مضارع، اول شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 أَنْ أَذْهَبَ: که بروم؛ معادل مضارع التزامی، اول شخص مفرد (ردّ گزینه ۲)
 لَمْ أَشَاهِدْ: ندیدم، ندیده‌ام؛ معادل ماضی منفی، اول شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

۲۵۵ ۲ بررسی گزینه‌ها:

كُلُّ مُسْلِمٍ: هر مسلمانی (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳) (كُلٌّ + اسم مفرد نکره = هر + اسم نکره)
 الْمَشْهَدُ: صحنه، مفرد است (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴) يَزِي: می‌بیند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 يَتَذَكَّرُ: به یاد می‌آورد، فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
 يَشْتَاتِقُ: مشتاق می‌شود، فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

۲۵۶ بررسی گزینه‌ها: ۴

أَجِبُّ: دوست دارم؛ فعل مضارع، اول شخص مفرد (ردّ سایر گزینه‌ها) **أَنْ أُوَزَّ:** که زیارت کنم؛ مضارع التزامی، اول شخص مفرد (ردّ سایر گزینه‌ها)
أُمُكَّ: مادرت (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲) «کاش: یا لَبِثْتَنِي» در جمله عربی وجود ندارد (ردّ گزینه ۲)

۲۵۷ بررسی گزینه‌ها: ۲

عَدَدُ الَّذِينَ: تعداد کسانی که؛ مضاف + مضاف‌الیه (ردّ سایر گزینه‌ها) **يُوجِهُونَ:** مواجه می‌شوند (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
مَرَاةٌ: تلخی؛ مفرد است (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴) **بِالرَّضَا:** با رضایت؛ جار و مجرور است نه قید حالت (ردّ گزینه ۴)

۲۵۸ بررسی گزینه‌ها: ۴

جَمِيعَ الْأَطْفَالِ: تمام کودکان، همه بچه‌ها؛ مضاف + مضاف‌الیه (ردّ گزینه ۱)
يُحِبُّونَ: دوست دارند؛ فعل مضارع، سوم شخص جمع (ردّ گزینه ۲)
 در گزینه ۳ «در حالی که» نباید همراه با «دوست دارند» ترجمه شود.
أَنْ يَلْبَسُوا: که بپوشند؛ معادل فعل مضارع التزامی (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
أَجْمَلٌ وَ أَنْظَفُ ثِيَابِهِمْ: زیباترین و تمیزترین لباس‌هایشان؛ اسم تفضیل + مضاف‌الیه (ردّ گزینه ۱)
وَهُمْ يَدَّهَبُونَ: در حالی که می‌روند؛ قید حالت است (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۵۹ بررسی گزینه‌ها: ۱

أَعَدَّ: فراهم کرد؛ فعل ماضی (ردّ گزینه ۲)
جَنَاتٍ: باغ‌هایی را که، بوستان‌هایی را که؛ بعد از اسم نکره **جَنَاتٍ**، جمله وصفی آمده است بنابراین در ترجمه نیاز به «که» داریم (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
تَجْرِي: جاری است، روان است؛ جریان دارد؛ فعل مضارع، لازم (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
خَالِدِينَ: در حالی که جاویدان هستند؛ قید حالت است (ردّ سایر گزینه‌ها) **الْأَنْهَارِ:** رودخانه‌ها؛ معرفه است نه نکره (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)

۲۶۰ بررسی گزینه‌ها: ۴

لَمْ أَدْعُ: رها نکردم، ترک نکردم؛ معادل ماضی منفی؛ اول شخص مفرد؛ فعل معلوم است نه مجهول (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
دُرُوسِي: درس‌هایم (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
تَقَدَّمْتُ: جلو افتادم، پیشی گرفتم (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
الاجْتِهَادُ: تلاش، کوشش؛ کلمه دیگری به آن اضافه نشده است (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۶۱ بررسی گزینه‌ها: ۲

مَمَرٌ: راهرو؛ معرفه است (ردّ گزینه ۱)
يُدْقُّ: زده می‌شود؛ فعل مضارع و مجهول (ردّ گزینه ۴)
 «این» و «آن» در گزینه‌های (۳ و ۴) اضافه هستند.
لِرُؤْيَيْتِهَا: برای دیدنش؛ (ردّ گزینه ۱)
مَنْظَرٍ جَمِيلٍ: یک منظره زیبا (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 در گزینه (۳) «بعد از زنگ» ترجمه دقیقی نیست.

۲۶۲ بررسی گزینه‌ها: ۲

مَنْ: هر کس؛ ادات شرط. (ردّ سایر گزینه‌ها)
قَتِلَ: کشته شد، کشته شود؛ فعل شرط و مجهول است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
قَدْ جَعَلْنَا: قرار می‌دهیم (جواب شرط است پس به صورت مضارع اخباری ترجمه می‌شود) (ردّ سایر گزینه‌ها)
سُلْطَانًا: قدرتی؛ نکره است. (ردّ سایر گزینه‌ها) **مَظْلُومًا:** مظلومانه؛ قید حالت است. (ردّ گزینه ۴)

۲۶۳ بررسی گزینه‌ها: ۴

إِنْ: اگر؛ ادات شرط (ردّ سایر گزینه‌ها)
كَسَّرَتْ: شکستی؛ بشکنی؛ فعل شرط، معادل مضارع التزامی؛ («بخواهی») در گزینه ۱ زائد است.
يُطَبِّقُ: توانایی دارد. **لا يطبقُ:** توانایی ندارد. فعل مضارع منفی (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

۲۶۴ بررسی گزینه‌ها: ۲

تَعَلَّمْنَا الدَّرُوسَ: جمله وصفیه برای **مَدْرَسَةِ**، پس قبل از ترجمه آن «که» آورده می‌شود. (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
تُعَلِّمُ: یاد دهد. فعل مضارع التزامی؛ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
مَدْرَسَةً حَادِقَةً: نکره هستند پس به صورت «مدرّسی ماهر» یا «مدرس ماهری» ترجمه می‌شوند. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 «برجسته‌ای» در گزینه (۱) ترجمه دقیقی از **حَادِقَةً** نیست.

۲۶۵ | ۱ بررسی گزینه‌ها:

الکتاب: کتاب. قبل از آن «هذا» نیامده پس به معنای «این کتاب» نیست. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 صد بَقِّكَ الْمُخْلِصِ: دوست مخلص تو. ترکیب «موصوف + مضاف الیه + صفت» است. (ردّ سایر گزینه‌ها)
 يَنْجِيكَ: تو را نجات دهد. فعل مضارع التزامی، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه ۳)
 [أَنْ] يُوْشِدَكَ: تو را ارشاد کند. مضارع التزامی. (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۶۶ | ۱ بررسی گزینه‌ها:

كَأَجْدَارٍ: مانند دیوارند؛ جار و مجرور است؛ الْجِدَارِ نیز معرفه است نه نکره (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 تَقْدِرُ: می‌توانی؛ فعل مضارع (ردّ گزینه ۴)
 تَسْتَطِيعُ: می‌توانی؛ فعل مضارع؛ در گزینه (۴) ترجمه نشده است. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

۲۶۷ | ۳ بررسی گزینه‌ها:

إِذَا: هرگاه (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 تَخْضَلُونَ: به دست می‌آورید؛ فعل مضارع (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
 وَرَقَةٍ: ورقه‌ای، کاغذی؛ اسم نکره (ردّ سایر گزینه‌ها)
 بِسُرْعَةٍ عَجِيبَةٍ: با سرعتی عجیب؛ جار و مجرور + صفت (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۶۸ | ۲ بررسی گزینه‌ها:

لَوْ: اگر، چنانچه؛ (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 وَدَائِعِ: امانت‌ها؛ مفرد آن وَدِيعَةٌ (ردّ گزینه ۳)
 مِنْ جَانِبِ اللَّهِ: از طرف خداوند (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۶۹ | ۳ بررسی گزینه‌ها:

سَدَّدْهُبُ: خواهیم رفت. فعل مستقبل و مثبت (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
 در گزینه (۲) ضمیر «نا» در «قَائِدَنَا» ترجمه نشده است.

۲۷۰ | ۳ بررسی گزینه‌ها:

كَانَ يُؤَكِّدُونَ: تأکید می‌کردند؛ معادل ماضی استمراری (ردّ سایر گزینه‌ها) الْوُصُولُ: رسیدن (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
 الْعَلَى: بزرگی؛ مفرد است نه جمع (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴) فِي حَقِّ: در حق (ردّ گزینه ۱)

۲۷۱ | ۲ بررسی گزینه‌ها:

فَلَقِي: اضطرابم، نگرانی‌ام. مفرد است. (ردّ گزینه ۴)
 مَا كُنْتُ أَعْمَلُ: انجام نمی‌دادم. معادل ماضی استمراری منفی (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 عِنْدَمَا: وقتی‌که. در گزینه ۳ ترجمه نشده است (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

۲۷۲ | ۴ بررسی گزینه‌ها:

كَانَ ... قَدْ رَوَّعُوا: ترسانده بودند؛ معادل ماضی بعید (ردّ سایر گزینه‌ها) الْأَعْدَاءُ: دشمنان، جمع عَدُوٍّ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 تَوَكَّلْهُمْ: توکل آن‌ها (ردّ گزینه ۱) فَقَطْ: فقط، تنها (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

۲۷۳ | ۳ بررسی گزینه‌ها:

جَسَمِ الْإِنْسَانِ: بدن انسان. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲) غَامِضٍ: پیچیده. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
 حَقَائِقَهُ كُلِّهَا: همه حقیقت‌های آن. (ردّ گزینه ۲) أَنْ يَكْتَشِفُوا: کشف کنند. مضارع التزامی (ردّ سایر گزینه‌ها)

۲۷۴ | ۴ بررسی گزینه‌ها:

لَا تَشْعُرُ: احساس نمی‌کنی؛ فعل مضارع منفی؛ دوم شخص مفرد (ردّ سایر گزینه‌ها)
 أَعْمَاقِ صَمِيرِكَ: اعماق وجودت؛ اعماق درونت؛ (ردّ سایر گزینه‌ها)
 قَدْ تَوَكَّلْتُ: توکل کرده‌ای؛ ماضی نقلی، دوم شخص مفرد (ردّ سایر گزینه‌ها)
 عِنْدُئِذٍ: در این زمان است که؛ در این هنگام است که؛ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)

۲۷۵ | ۳ بررسی گزینه‌ها:

يَجِبُ: دوست بدارد؛ فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
 يَخْسِنُ: نیکی می‌کند، احسان می‌کند؛ (ردّ گزینه ۱)
 يَبْعِدُ: دور می‌کند؛ فعل مضارع و متعدی؛ (ردّ گزینه‌های ۱ و ۲) عَنَّةٌ: از او (ردّ سایر گزینه‌ها)

یادآوری:

- (۱) فعل باید به صورت فعل ترجمه شود و ترجمه آن به صورت اسم یا مصدر غلط است.
 (۲) مهم‌ترین اقسام ضمائر در بحث ترجمه، ضمائر پیوسته (متصل) هستند که از چند لحاظ باید بررسی شوند:
 الف) ترجمه ضمیر به صورت صحیح انجام گرفته باشد. (ب) ترجمه‌ی ضمیری حذف نشده باشد.
 ج) ترجمه ضمیری اضافه نیامده باشد. (د) ترجمه ضمیر جابه‌جا نشده باشد.
 محل اعرابی ضمیرهای پیوسته به صورت زیر است:

- (۱) فعل + ضمائر پیوسته ← مفعول؛ مثال: **شَاهِدَكَ رَجُلٌ** : مردی تو را دید.
 (۲) اسم + ضمائر پیوسته ← مضاف‌الیه؛ مثال: **كِتَابِكَ خَيْرٌ صَدِيقِي لَكَ** : کتاب تو بهترین دوست برای تو است.
 (۳) حروف جرّ + ضمائر پیوسته ← مجرور بحرف جرّ؛ مثال: **أَقْدَمَ لَكَ هَدِيَّةً** : هدیه‌ای به تو تقدیم می‌کنم.

بررسی گزینه‌ها:

۱ ۲۷۶

- تَسْتَطِيعُونَ**: می‌توانید؛ فعل مضارع (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
لَا تَسْتَطِيعُونَ: نمی‌توانید؛ فعل مضارع منفی (ردّ سایر گزینه‌ها)
أَنْ نَقُولَ: که بگوییم؛ معادل فعل مضارع التزامی، و معلوم؛ اول شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
أَنْ تَقِفُوا: که بایستید؛ معادل فعل مضارع التزامی (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۱ ۲۷۷

- السَّرُّ الْغَامِضُ**: راز پیچیده (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)
تَهْتَمُّ: توجه کنی؛ فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (ردّ سایر گزینه‌ها)
تَتَوَضَّلُ: دست می‌یابی، می‌رسی؛ جواب شرط (ردّ سایر گزینه‌ها)

بررسی گزینه‌ها:

۳ ۲۷۸

- قَدْ أُنشِدَ**: سروده است/ اند؛ معادل ماضی نقلی (ردّ گزینه ۲)
هذا: با توجه به مفرد بودن فاعل، فعل باید به صورت مفرد ترجمه شود؛ این شاعر سروده است. (ردّ گزینه ۱)
متعدد صفت برای ابیاتاً است نه شاعر، بنابراین «شاعران بی‌شمار» نادرست است. (ردّ گزینه ۱)
مَجْلِسٍ: مفرد است (ردّ گزینه ۱)
لِيَقْرَأَهَا: تا آن را بخواند؛ معادل فعل مضارع التزامی، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
مَجْلِسٍ تَكْرِيمِ الْعُلَمَاءِ الْكِبَارِ: مجلس بزرگداشت دانشمندان بزرگ (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۱ ۲۷۹

- أَنْ يَغْتَنِمُوا**: که غنیمت بشمارند؛ معادل مضارع التزامی (ردّ سایر گزینه‌ها)
عُمْرِهِم: عمرشان، عمر خودشان، عمر خود (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
اِكْتِسَابٍ: به دست آوردن، کسب کردن (ردّ گزینه ۳)
يَنْقُصُ: کاهش می‌یابد، نقصان می‌یابد؛ فعل لازم (ردّ سایر گزینه‌ها)

بررسی گزینه‌ها:

۱ ۲۸۰

- حَتَّى يَحْكُمَ**: تا داوری کند. معادل فعل مضارع التزامی؛ (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
خَيْرُ الْحَاكِمِينَ: بهترین داوران. (ردّ گزینه ۲)
إصْبِرُوا: صبر کنید؛ فعل است نه اسم (ردّ گزینه ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۱ ۲۸۱

- عبادٌ**: بندگان. مفرد آن **عَبْدٌ**؛ جمع «**عابد**» عبادت‌کننده» نیست. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
الَّذِينَ: کسانی ... که (ردّ گزینه ۴)
هُؤُنَا: به آرامی، آرام؛ قید حالت است. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۲ ۲۸۲

- يُعَانِي**: رنج می‌برد. فعل مضارع (ردّ سایر گزینه‌ها)
الْمَدُنُ الْكَبِيرَةُ: شهرهای بزرگ. (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
الضُّوْءُ: سروصدا، شلوغی. (ردّ گزینه ۴)
الْحَيَاةِ الْمُمْكَّرَةَ: زندگی تکراری، زندگی مکرر (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)

۲ ۲۸۳ بررسی گزینه‌ها:

- ذاتِ یَوْمٍ: روزی، یک روز. (ردّ سایر گزینه‌ها)
 السَّمَاوَاتِ: آسمان‌ها با جمع است. (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 مُلْتَصِقَتَيْنِ: به هم پیوسته، به هم وصل شده؛ (ردّ گزینه ۱)
 أَضْبَحْتَا: شدند؛ از افعال ناقصه، سوم شخص جمع (ردّ سایر گزینه‌ها)
 فَصَلَّ: جدا کرد؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد. (ردّ سایر گزینه‌ها)
 رَبُّهُمَا: پروردگارشان (ردّ گزینه ۴)

۲ ۲۸۴ بررسی گزینه‌ها:

- يَقْتُلُ: می‌کشد؛ فعل مضارع (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
 بَعْضُ الْأَحْيَانِ: گاهی وقت‌ها (ردّ سایر گزینه‌ها)
 أَنْ يَقْتُلَ: که بکشد؛ مضارع التزامی (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
 لَا يَغْقِبُ: دنبال نمی‌کند (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

۲ ۲۸۵ بررسی گزینه‌ها:

- لَمَّا: هنگامی که، زمانی که (ردّ سایر گزینه‌ها)
 هُذِهِ: این؛ (ردّ گزینه ۳)
 در گزینه‌های (۱ و ۳) «هنوز» اضافه است.
 يَدْخُلُ: وارد می‌شود؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)
 تَنْهَضُ: برمی‌خیزیم، بلند می‌شویم (ردّ گزینه ۴)
 در گزینه (۴) جای مبتدا و خبر برعکس شده است، «برایش» اضافه است.

۲ ۲۸۶ بررسی گزینه‌ها:

- يَعْقِلُونَ: تعقل می‌ورزند؛ خرد می‌ورزند؛ فعل مضارع (ردّ گزینه ۴)
 لآيَاتٍ: قطعاً نشانه‌هایی؛ «ل» برای تأکید است و به معنای «برای» نیست. (ردّ گزینه ۱)
 فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ: در آن، آیات (نشانه‌هایی) است (ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

۴ ۲۸۷ بررسی گزینه‌ها:

- يَخْتَا: نیاز دارند؛ فعل مضارع (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
 يَهْدُوا: هدایت شوند؛ فعل مضارع مجهول (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)
 گزینه درست در ترجمه را مشخص کن.
 نَمَازِجٍ مِثَالِيَّةٍ: نمونه‌های برتر؛ موصوف + صفت (ردّ گزینه ۱)
 يَتَّبِعُوا: دور شوند؛ فعل مضارع (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) تُحِبُّ: دوست داری؛ فعل مضارع، دوم شخص مفرد / أَنْ تَزُورَ: که زیارت کنی؛ فعل مضارع التزامی، دوم شخص مفرد
 ۲) مَا هِيَ: چیست
 ۳) أَتَدَّكَّرُ: به یاد دارم؛ فعل مضارع؛ اول شخص مفرد

۲ ۲۸۹

- گزینه اشتباه در ترجمه را مشخص کن.
 ۲) اِلْجَا: پناه ببر؛ فعل امر، دوم شخص مفرد. (پناه می‌برم: اَلْجَا.)

۳ ۲۹۰

- گزینه نادرست در ترجمه را مشخص کن.
 ۳) تُفَضِّلُ: ترجیح می‌دهد؛ برتری می‌دهد؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد

۱ ۲۹۱

- گزینه درست در ترجمه را مشخص کن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) کلمات این گزینه در جای مناسبشان ترجمه نشده‌اند؛ به ترجمه درست آن دقت کنید: هنگامی که حشره روی سطح آب سقوط می‌کند، ماهی تیرانداز آن را می‌بلعد.

۳ ۲۹۲

- ۳) أَعْجَبَ مِنَ الْأَسْمَاكِ الْأُخْرَى: شگفت‌تر از ماهیان دیگر؛

- ۴) صِغَارَهَا الَّتِي ابْتَلَعَتْهَا: بچه‌هایش را که بلعیده است؛ ابْتَلَعَتْ: فعل ماضی، سوم شخص مفرد

۱ ۲۹۲

- اشتباه در ترجمه را مشخص کن.

- ۱) أَعْزَبَ: عجیب‌ترین؛ اسم تفضیل است.

۲ ۲۹۳

- ترجمه درست را مشخص کن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) نَشِيطًا: با نشاط؛ قید حالت است اما در ترجمه به عنوان صفت کشاورز به کار رفته است؛ ترجمه درست: کشاورز، با نشاط در مزرعه کار کرد.

۳) **فِرِحَاتٍ**: قید حالت است اما در ترجمه به عنوان صفت بازیکنان به کار رفته است. ترجمه درست: بازیکنان ایرانی، با خوشحالی از مسابقات برگشتند.

۴) **مُشْتَاتِقَتَيْنِ**: قید حالت است که در ترجمه به صورت «خبر» ترجمه شده است؛ ترجمه درست: این دو دختر، با اشتیاق اقدام به یک گردش علمی در اینترنت کردند.

ترجمه درست را مشخص کن. **۲۹۴ ۳**

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) **وَهُمْ فَرِحُونَ**: قید حالت است که به صورت صفت آمده. / **يُشَجِّعُ**: تشویق می‌کند (می‌کنند)؛ فعل مضارع ترجمه درست: تماشاچی‌ها تیم برنده‌شان را تشویق می‌کنند در حالی که خوشحال هستند.

۲) **وَصَلَ**: رسید (رسیدند)؛ فعل ماضی

۴) **مُجِدَّتَيْنِ**: با تلاش، تلاشگرانه؛ قید حالت است که به صورت صفت ترجمه شده است. / **تَقْرَأَنِي**: می‌خواند؛ فعل مضارع ترجمه درست: دو دانش‌آموز، با تلاش درس‌هایشان را می‌خواند.

ترجمه نادرست را مشخص کن. **۲۹۵ ۱**

۱) **أَشَاهِدُ**: می‌بینم؛ فعل مضارع، اول شخص مفرد / **يَجْمَعُ**: جمع می‌کند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد / **وَهُوَ**: ... در حالی که او؛ قید حالت.

گزینه اشتباه در ترجمه را مشخص کن. **۲۹۶ ۱**

۱) **اسْتَشْرَفْتُ**: مشورت کنی؛ فعل شرط اگرچه ماضی باشد، بهتر است به صورت مضارع التزامی ترجمه شود / **لَنْ تَنْدَمَ**: پشیمان نخواهی شد؛ معادل مستقبل منفی

ترجمه درست: اگر با نیکان مشورت کنی، پشیمان نخواهی شد.

گزینه اشتباه را مشخص کن. **۲۹۷ ۱**

۱) نیازی به فعل «است» نیست.

♦ **نُحْتَهُ**: هرگاه اسم بعد از اسم اشاره، بدون «ال» باشد، اسم اشاره به شکل خودش ترجمه می‌شود، یعنی اگر مفرد باشد، به صورت مفرد و اگر مثنی و جمع باشد به صورت مثنی و جمع ترجمه می‌شود. توجه داشته باشید که در این موارد اسم بعد از اسم اشاره بیشتر به صورت مفرد ترجمه می‌شود:

هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ: این دو، شیشه هستند **أُولَئِكَ مَعْلَمُونَ**: آنها، معلم هستند

اما هرگاه اسم بعد از اسم اشاره، دارای «ال» باشد، اسم اشاره به صورت مفرد و اسم مابعدش به شکل اصلی خودش ترجمه می‌شود:

هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ: این دو شیشه (این شیشه‌ها) **هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمُونَ**: این معلم‌ها

گزینه صحیح را مشخص کن. **۲۹۸ ۴**

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) **لَتَنْتَمِدَ**: باید تکیه کند؛ (باید) + فعل مضارع

۲) **نَعْلَمُ**: می‌دانیم؛ فعل مضارع، اول شخص جمع؛ «با اینکه» اضافه است / **لَيْسَتْ فِي ذَاكِرَتِنَا**: در حافظه ما نیست.

۳) **الْأُسْرَةَ**: خانواده؛ مفرد است / **مُؤَثَّرَةٌ**: تأثیرگذار است؛ اسم است نه فعل

گزینه اشتباه را مشخص کن. **۲۹۹ ۱**

۱) **يَجْلِسُ**: می‌نشیند، می‌نشینند؛ فعل لازم است نه متعدی / ضمیر «ه» در **مُكَدَّبُوهُ** و **مُنْكَرُوهُ** ترجمه نشده است.

گزینه درست را مشخص کن. **۳۰۰ ۱**

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) **لَا تَنْكَاسِلُ**: تنبلی نمی‌کند؛ فعل مضارع منفی، سوم شخص مفرد / **الْمَمْرُضَةُ** فاعل است نه منادا. / **أَعْمَالِهَا**: کارهایش

ترجمه درست: پرستار ماهر در انجام کارهایش تنبلی نمی‌کند.

۳) **شَاهِدٌ**: دید، دیدند؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد / **دَرَجَاتِهِمْ**: نمره‌هایشان؛ مفعول و مضاف‌الیه / **فِي الصَّفِّ**: در کلاس / **فَائِزِينَ**: در حالی که موفق شدند؛ قید حالت

ترجمه درست: دانش‌آموزان نمراتشان را در کلاس دیدند در حالی که موفق بودند.

۴) صَادِقٌ: دوستی کن؛ فعل امر، دوم شخص مفرد/ الَّذِي: [با] کسی که/ يُشْفِقُ عَلَيكَ: به تو مهربانی می‌کند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد/ «بودی» در قسمت دوم جمله باید به تناسب جمله به صورت «هستی» ترجمه شود. ترجمه درست: دوستی کن با کسی که دلسوز توست در حالی که تو در غفلت هستی.

گزینه اشتباه را مشخص کن. ۱ ۳۰۱

۱) لَمْ يَشَاهِدْ: دیده نشده است؛ معادل ماضی منفی

گزینه درست را مشخص کن. ۲ ۳۰۲

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) أَلْقَى: بینداز. فعل امر، دوم شخص مفرد.

۳) وَزْدَةٌ: یک گل. مفرد و نکره است. «فی» ترجمه نشده است.

۴) «در حالی که» اضافه است به جای آن باید نوشت: «و». صَفَّقَ: دست زد.

گزینه اشتباه را مشخص کن. ۲ ۳۰۳

۲) لَلَّهْ ترجمه نشده است/ مُطَالِبِينَ: در حالی که خواستاریم...؛ حال است و باید به صورت قید حالت ترجمه شود.

در مورد مفهوم، گزینه اشتباه را مشخص کن. ۲ ۳۰۴

بررسی گزینه‌ها:

غیر از گزینه (۲)، گزینه‌های دیگر در مورد همراه نبودن دو چیز متضاد سخن می‌گویند.

در مورد مفهوم، گزینه اشتباه را مشخص کن. ۲ ۳۰۵

بررسی گزینه‌ها:

۱) هرکس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است: در همه کارها بر خداوند بخشنده توکل کن/ پس کسی که از روی حقیقت بر وی توکل کند، ناامید نمی‌شود.

۲) مردم بر دین پادشاهانشان هستند: ای مردم، بدانید که کمال دین، خواستن دانش و عمل کردن به آن است.

مفهوم دو قسمت با هم مطابقت ندارند.

۳) اگر سپاسگزاری کنید، (نعمت را) برای شما زیاد خواهم نمود و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من شدید است: ناسپاسی نعمت باعث نابود کردن آن می‌شود و سپاسگزاری، آن را ماندگار می‌کند.

۴) در مورد آبنبارها از کاروانیانی سؤال کن که در بیابان‌ها تشنه و سرگردان هستند (یعنی مکان و نیز قدر آن را می‌دانند): قدر علم را فقط کسی می‌داند که چشمانش در به دست آوردن آن بیدار مانده باشد.

گزینه درست برای مفهوم عبارت را مشخص کن. «قطعاً سخن در دل است و زبان بر دل، فقط راهنما قرار داده شده است». ۴ ۳۰۶

بررسی گزینه‌ها:

۱) ما نیازمند هستیم ولی زبانمان برای تقاضا باز نمی‌شود/ زیرا در حضور شخص کریم، نیاز به درخواست نیست.

۲) حیف است بلبلی همانند من، اکنون در این قفس باشد و با زبان شیرینی که من دارم، همچون گل سوسن خاموش باشم.

۳) هیچ چوپانی، بدون عصا و کاسه نیست (وسایل کارش)/ زبان من، عصای من و دفترم کاسه من است.

۴) تلاش می‌کنم که اسمی از تو نبرم، ولی چه کار کنم / زیرا هرچه در دل دارم، بر زبان جاری می‌شود.

در مورد مفهوم، اشتباه را مشخص کن: «زخم‌های شمشیر، بهبودی دارند، ولی آن‌چه زبان، زخمی می‌کند، التیام نمی‌پذیرد». ۲ ۳۰۷

بررسی گزینه‌ها:

غیر از گزینه (۲)، گزینه‌های دیگر از «کاری بودن زخم زبان و مرهم نشدن آن» و «التیام یافتن زخم شمشیر» سخن می‌گویند.

در مورد مفهوم بیت، اشتباه را مشخص کن: «ثروت نابود می‌شود و باقی می‌ماند (گاهی نیست، گاهی هست)، و یاد (نیک‌نامی) ماندگارتر و زیباتر است». ۳ ۳۰۸

بررسی گزینه‌ها:

تمام گزینه‌ها در مورد از بین رفتن ثروت و مال و ماندگار بودن نام نیک سخن می‌گویند، اما گزینه (۳) در مورد «تقدیر و قضا و قدر» است.

در مورد مفهوم عبارت، گزینه نادرست را مشخص کن: «بلاى انسان در زبانش است.» ۴ ۳۰۹

بررسی گزینه‌ها:

توضیح نمی‌فوار زیگه! همش فارسیه!

در مورد مفهوم عبارت، گزینه درست را مشخص کن: «ثواب نیکی‌های ماندگار، نزد خداوند بهتر است.» ۳ ۳۱۰

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) خیر دنیا و آخرت همراه دانش است و شر دنیا و آخرت همراه نادانی است.
 - ۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را می‌گویید که انجام نمی‌دهید.
 - ۳) هرچه از نیکی‌ها انجام دهی، آن را ذخیره‌ای برای آخرت می‌یابی.
 - ۴) برای دنیایت چنان کار کن که گویی همیشه زندگی می‌کنی و برای آخرت چنان کار کن که گویی فردا می‌میری.
- «چرا می‌گویید چیزی را که انجام نمی‌دهید». گزینه مناسب برای مفهوم را مشخص کن. ۱ ۳۱۱

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) با عمل کردن، کار انجام می‌شود نه با سخنرانی و حرف زدن!
 - ۲) هرگاه سخن گفته شد، بهتر آن است که با جان و دل به آن پرداز!
 - ۳) کاری کوچک، همراه با علم، بهتر از کاری بزرگ همراه با نادانی است!
 - ۴) با دشمن یا با دوست، چنان سخن بگو، که هر کس بشنود، بگوید این حرف زیبا و نیکوست!
- «بهترین چیزها، تازه‌اش است». گزینه نامناسب برای مفهوم را مشخص کن: ۳ ۳۱۲

بررسی گزینه‌ها:

سه گزینه (۱، ۲ و ۴) در مورد تازه بودن یک چیز و در نتیجه ارزشمند بودن آن هستند، اما گزینه (۳) در مورد صبر و شکیبایی در کار. «چه بسا دانشمندی که نادانی‌اش او را کشته است، در حالی که علمش که با اوست به او سودی نمی‌رساند». گزینه مناسب برای مفهوم را مشخص کن: ۲ ۳۱۳

بررسی گزینه‌ها:

توضیح نمی‌فوار! اون دانشمندی که علمش همراهشه، اما باز هم نادانیش اونو می‌کشه، همون بمیره بهتره! چون به علم فودش عمل نمیکنه! آنچه را که مناسب مفهوم عبارت نیست مشخص کن: «باید از شاخه‌های درخت بالا بروی تا میوه‌های شیرین را بچینی!» ۴ ۳۱۴

بررسی گزینه‌ها:

سه گزینه اول در مورد عاقبت شیرین تلاش کردن و رنج کشیدن است، اما گزینه (۴) در مورد غرور بی‌جای افراد بی‌میوه (بدون اخلاق و کردارهای خوب) و تواضع و فروتنی افراد پر میوه (دارای اخلاق و کردارهای خوب) است. «به دقیقه‌های گذشته زندگی نگاه نکن، بلکه به دقیقه‌های باقی‌مانده آن بنگر». گزینه نامناسب برای مفهوم عبارت را مشخص کن. ۱ ۳۱۵

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) نیمه خالی لیوان را نبین، بلکه نیمه پر آن را هم ببین!
 - ۲) بر آن چه گذشته است حسرت نخور!
 - ۳) کنار جوی آب بنشین و به گذر عمر نگاه کن! (یعنی عمر انسان هم، مثل همین آب می‌گذرد!)
 - ۴) استفاده کن از آن چه از فرصت‌ها برایت باقی مانده است!
- «فقط برای خدا زندگی می‌کنیم». گزینه مناسب برای مفهوم را مشخص کن: ۱ ۳۱۶

بررسی گزینه‌ها:

۱) قطعاً نماز ... و زندگی‌ام و مردنم برای الله پروردگار جهانیان است. ۲) قطعاً راه را به او نشان دادیم، چه شکرگزار باشد و چه ناسپاس. ۳) و جن و انسان را نیافریدیم مگر برای این‌که مرا ببرستند. ۴) آن دو را نیافریدیم مگر به حق. «پزشکی که مردم را مداوا می‌کند در حالی که خود بیمار است». گزینه نامناسب برای مفهوم را مشخص کن. ۲ ۳۱۷

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) چرا مرا پند می‌دهی، ابتدا باید خودت را خوب پند بدهی!
- ۲) اگرچه درد در دنیا بسیار است، اما هر کدامشان هزار درمان دارند! (این گزینه با بقیه متفاوت است)
- ۳) پزشکی که بدن خودش درد داشته باشد، چگونه می‌تواند آفت و بیماری را از بیمار باز دارد.
- ۴) از پزشکی که رنگ رخسار خودش زرد باشد (بیمار باشد)، داروی سرخ‌رویی (سالم شدن) نخواه.

۳۱۸ | ۱ «به خودم گفتم: نگاه کن، چگونه قطره‌های کوچک آب روزنه‌ای در صخره ایجاد کرده است! آیا تو کم‌تر از این قطره‌ها هستی؟» عبارت دلالت می‌کند بر ...

بررسی گزینه‌ها:

۱) اراده قوی (۲) خویشتن‌دوستی (۳) شهامت و شجاعت (۴) قطره‌های کوچک آب
 «هنگامی که گدای بد اصل، ثروتمند شود خوب نیست، زیرا مغرور می‌گردد و دوست را از دشمن باز نمی‌شناسد (همچنان اصلش بد است). گزینه مناسب برای مفهوم را مشخص کن.

۳۱۹ | ۱

بررسی گزینه‌ها:

۱) از کوزه همان برون تراود که در اوست. (۲) دشمن با مهربانی کردن دوست نمی‌شود.
 ۳) سخن چینان بر صفای عشقشان پرواز کردند (یعنی دوستی‌شان را بر هم زدند).
 ۴) هر کس قصد دریا کند، جوی‌ها را ناچیز می‌شمارد.
 «کار کن همانند کسی که یقین دارد که خداوند به بدی و نیکی وی پاداش می‌دهد». گزینه مناسب برای مفهوم را مشخص کن.

۳۲۰ | ۲

بررسی گزینه‌ها:

در عبارت سؤالی، به انجام کارهای خوب و بد و برگشت آن‌ها به انسان اشاره شده است و این مفهوم فقط در گزینه ۲ کاملاً آورده شده است.

ترجمه گزینه‌ها:

۱) و هرچه از کار نیک برای خودتان پیش بفرستید، آن را نزد خدا می‌یابید.
 ۲) انسان هر آن‌چه از خوب و بد انجام دهد، به خاطر آن حسابرسی می‌شود.
 ۳) نیکی آن است که در نهان، همچون آشکارا عمل کنی. (۴) هر کس کار نیک انجام دهد، در پایان از آن سودمند می‌شود.

■ ■ ■ ترجمه چند عبارت اشتباه است؟ (سؤالات ۳۲۱ - ۳۲۵)

بررسی عبارت‌ها:

۳۲۱ | ۳

الف) لا تَهِنُوا: سست نشوید؛ فعل نهی، دوم شخص جمع / لا تَحْزَنُوا: غمگین نشوید؛ فعل نهی، دوم شخص جمع
 ب) مَبْشُرِينَ: قید حالت است اما به صورت صفت برای «التَّبَيِّينَ» ترجمه شده است؛ پیامبران را مزده‌دهنده فرستاد.
 ج) إِزْجَعِي: برگرد؛ فعل امر، دوم شخص مفرد
 د) بدون اشتباه

بررسی عبارت‌ها:

۳۲۲ | ۴

الف) كُنْتُ دَهَبْتُ: رفته بودم؛ معادل ماضی بعید، اول شخص مفرد / ضَدِيقِي السَّاعِي: دوست تلاشگر؛ ترکیب «موصوف + مضاف‌الیه + صفت» است نه قید حالت.
 ب) كَانِ يَزْرَعُونَ: می‌کاشتند؛ معادل ماضی استمراری؛ سوم شخص جمع / الْقُرَى: روستاها؛ جمع قَرِيَّة
 ج) شَاهِدْنَا: دیدیم؛ فعل ماضی، اول شخص جمع / كَانُوا وَاقْفِينَ: ایستاده بودند؛ از افعال ناقصه، زمان ماضی / الْآبَارُ: چاه‌ها؛ جمع بئر
 د) زَمِيلِي الْمَصْلُحُ: همکار تعمیرکار؛ ترکیب «موصوف + مضاف‌الیه + صفت» است نه قید حالت. / جَزَّ: کشید؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد / أَخَذَ: بُرِدَ؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد.

بررسی عبارت‌ها:

۳۲۳ | ۳

الف) رَبَّنَا: پروردگارا، ای پروردگار ما / آتِنَا: به ما بده؛ فعل امر، دوم شخص مفرد
 ب) بدون اشتباه
 ج) اِسْتَعِينُوا: کمک بگیرید؛ فعل امر، دوم شخص جمع
 د) ذَائِقَةَ: چشنده؛ اسم فاعل است نه فعل

بررسی عبارت‌ها:

۳۲۴ | ۲

الف) سَمِّيَ: نامیده شد؛ فعل ماضی مجهول، سوم شخص مفرد / سَارِحَ: شرح‌دهنده؛ اسم فاعل است نه فعل.
 ب) بدون اشتباه
 ج) مَخْضَرَةً: سرسبز؛ قید حالت است نه صفت برای الْأَرْضِ. ترجمه درست: زمین را سرسبز دیدی.
 د) بدون اشتباه

بررسی عبارت‌ها:

۳۲۵ | ۲

الف) وَ هِيَ ثَقِيلٌ: در حالی که سنگین است؛ قید حالت است نه صفت برای «الْحَجَرِ».
 ب) بدون اشتباه
 ج) مَسْرُورِينَ: قید حالت برای الرِّمْلَاءِ است نه صفت برای الطَّالِبِ.

■ در چند عبارت، تعداد اشتباهات ترجمه یکسان است؟ (سؤالات ۳۲۶-۳۳۰)

بررسی عبارت‌ها: ۲ ۳۲۶

- (الف) حَبَلَ اللّٰهَ: ریسمان خدا/ طَرِيقِهِ: راهش (۲ اشتباه)
 (ب) الأُخْتُ: خواهر (۱ اشتباه)
 (ج) سَاعَدْتُ: کمک کردم؛ فعل ماضی، اول شخص مفرد / أَحَدَ الأَصْدِقَاءِ: به یکی از دوستان؛ مفعول است نه فاعل (۲ اشتباه)
 (د) بدون اشتباه

بررسی عبارت‌ها: ۳ ۳۲۷

- (الف) تَعَلَّمْتُ: آموختم؛ فعل ماضی، اول شخص مفرد / أَنْ أَعْفُوَ: که ببخشم؛ معادل مضارع التزامی، اول شخص مفرد (۲ اشتباه)
 (ب) قَطَعْتُ: پیمودم؛ فعل ماضی، اول شخص مفرد/ والدَيَّ: پدر و مادرم (والدین + ی) (۲ اشتباه)
 (ج) أصدقائي: دوستانم/ الدُّروس: درس‌ها (۲ اشتباه)
 (د) بدون اشتباه.

بررسی عبارت‌ها: ۱ ۳۲۸

- (الف) بدون اشتباه
 (ب) عَلَّمَا: یاد بدهید؛ فعل امر (۱ اشتباه)
 (ج) أَسْرَعُوا: بشتابید؛ فعل امر، دوم شخص جمع / مُجْتَهِدِينَ: تلاشگرانه؛ قید حالت است نه صفت برای أَصْدِقَاءَ / أصدقائي: دوستانم (۳ اشتباه)
 (د) مُشْتَأَقَةً: با اشتیاق، مشتاقانه؛ قید حالت برای ضمیر «أنا» است نه صفت برای العائدين (۱ اشتباه)

بررسی عبارت‌ها: ۳ ۳۲۹

- (الف) إِنَّ: قطعاً، به راستی؛ از حروف مشبیه بالفعل است نه حرف شرط «إِنْ: اگر» / تَقَدَّمْنَا: پیشرفت ما؛ مصدر است نه فعل ماضی (۲ اشتباه)
 (ب) مُسْتَعَجِلِينَ: با عجله؛ قید حالت برای المُسَافِرُونَ است نه صفت برای القطار (۱ اشتباه)
 (ج) نَوَاجِعَ: روبرو می‌شویم؛ فعل مضارع، اول شخص جمع / يُضَيِّعُونَ: از دست می‌دهند؛ فعل مضارع، سوم شخص جمع (۲ اشتباه)
 (د) حَتَّى يَصِلُوا: تا برسند؛ مضارع التزامی، سوم شخص جمع / المُجْتَمَع: جامعه؛ الجامعة به معنی دانشگاه است. (۲ اشتباه)

بررسی عبارت‌ها: ۳ ۳۳۰

- (الف) أَضْيَحْتُ: شدم؛ از افعال ناقصه، اول شخص مفرد/ ما كُنْتُ أَشَاهِدَ: نمی‌دیدم؛ معادل ماضی استمراری منفی، اول شخص مفرد (۲ اشتباه)
 (ب) إِشْتَرَكْتُ: شرکت کرد(ند)؛ فعل ماضی، سوم شخص مفرد/ يَتَحَدَّثُونَ: با توجه به سیاق جمله که بعد از یک اسم نکره (طَلَّابٌ) آمده و فعل قبل از آن هم به صورت ماضی است باید به صورت ماضی استمراری ترجمه شود (سخن می‌گفتند) (۲ اشتباه)
 (ج) بَهَا: از آن‌ها / انْتَفَعُ: سود می‌برم؛ فعل مضارع، اول شخص مفرد (۲ اشتباه)
 (د) كَانَ شَارِكُوا: شرکت کرده بودند؛ معادل ماضی بعید / أَفْرِقَةَ: تیم‌ها؛ مفرد آن: فَرِيقٌ / كُرَّةِ البَد: والیبال (۳ اشتباه)

■ عبارتی را مشخص کن که اشتباهات ترجمه‌اش بیشتر است. (سؤالات ۳۳۱-۳۳۶).

بررسی گزینه‌ها: ۴ ۳۳۱

- (۱) الأُخْرَى: دیگر/ كَانَتْ: بود؛ از افعال ناقصه (۲ اشتباه)
 (۲) بدون اشتباه
 (۳) تَقَرَّبْتُ: نزدیک می‌سازد؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد (۱ اشتباه)
 (۴) سَيَّارَةٌ: ماشین/ تَسْبِخٌ: شنا می‌کند؛ فعل مضارع، سوم شخص مفرد/ أَبْحَاثُ: تحقیقات، پژوهش‌ها؛ مفرد آن بَحْث (۳ اشتباه)

بررسی گزینه‌ها: ۱ ۳۳۲

- (۱) عِنْدَمَا: زمانی که، هنگامی که؛ ادات شرط نیست/ تَأْخُذُ: می‌گیری؛ فعل مضارع؛ فعل شرط نیست تا به صورت التزامی ترجمه شود / لِتَسَاعِدَهُمْ: تا آن‌ها را یاری کنی؛ فعل مضارع التزامی، دوم شخص مفرد (۳ اشتباه)
 (۲) بدون اشتباه.
 (۳) الْقَصِيْدَةَ: قصیده؛ معرفه است نه نکره / عِشْرِينَ: بیست (۲ اشتباه)
 (۴) أَدْعُوا: دعا کنید؛ فعل امر، دوم شخص جمع (۱ اشتباه)

بررسی گزینه‌ها: ۱ ۳۳۳

- (۱) الخَواصِبُ: کامپیوترها؛ مفرد آن: الحاسوب/ سَوَفَ تَحْضُلُ: دست خواهی یافت؛ معادل مستقبل/ غَرَابٌ: کلاغ (۳ اشتباه)
 (۲) إِذَا: هرگاه / أَهَمُّ الأَحْدَاثِ: مهم‌ترین رویدادها (۲ اشتباه) / اسْتِخْدَامٌ: به‌کارگرفتن (۱ اشتباه)
 (۴) اسْتِعَانَةٌ: کمک گرفتن از/ الرِّسَالِ: نامه‌ها؛ مفرد آن: الرِّسَالَةُ (۲ اشتباه)

بررسی گزینه‌ها: ۱ ۳۳۴

- (۱) سافَرْتُ: سفر کردم؛ ماضی اخباری، اول شخص مفرد/ كُنْتُ أَحَدْتُ: برداشته بودم؛ معادل ماضی بعید، اول شخص مفرد / عَيُونِي: چشمانم؛ مفرد آن: عَيْنٌ / لَتَنْتَفِعَ: تا بهره‌مند شود؛ مضارع التزامی، سوم شخص مفرد (۴ اشتباه)
- (۲) بدون اشتباه.
- (۳) زَأَيْتُ: دیدم؛ فعل ماضی، اول شخص مفرد/ «ما را» اضافه است و «را» بایستی با «کشتی کوچک» بیاید (۲ اشتباه)
- (۴) بدون اشتباه.

بررسی گزینه‌ها: ۲ ۳۳۵

- (۱) حَيَاتِنِمْ: زندگی‌تان / أَبَوَاب: درها؛ مفرد آن: باب (۲ اشتباه)
- (۲) قَدْ أَشْتَرَيْتُنَا: خریده‌ایم؛ ماضی نقلی / هَيَّأْنَا: تهیه‌کرده‌ایم؛ ماضی نقلی / «دوست داری» اضافه است / تَتَنَاوَلُ: می‌خوری؛ مضارع، اول شخص جمع (۴ اشتباه)
- (۳) لَا تَخَافُ: نمی‌ترسی؛ فعل مضارع منفی، دوم شخص مفرد/ أَنْ يُهْدَدَ: که تهدید کند؛ مضارع التزامی، سوم شخص مفرد (۲ اشتباه)
- (۴) كَثِيرًا: زیاد؛ اسم تفضیل نیست (۱ اشتباه)

بررسی گزینه‌ها: ۳ ۳۳۶

- (۱) لِنَقْرَأُ: باید بخوانیم؛ «ل: باید» مضارع را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند و حالت دستوری دارد (۱ اشتباه)
- (۲) بدون اشتباه
- (۳) عِنْدَمَا: هنگامی که / سَأَزَيِّنُ: تزئین خواهم کرد؛ فعل مستقبل، اول شخص مفرد/ لَمْ يُشَاهِدْ: دیده نشده است؛ فعل مجهول، سوم شخص مفرد/ «را» اضافه است (۵ اشتباه)
- (۴) بدون اشتباه.

■ جاهای خالی را با کلماتی پر کن که مناسب عبارت باشد (سؤالات ۳۳۷-۳۴۱).

غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ... (۳۳۷) را مشاهده کردند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود و تاریکی دریا را به روزی روشن ... (۳۳۸) که غواص‌ها در آن... (۳۳۹) در نور این ماهی‌ها عکس بگیرند. دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی ... (۳۴۰) که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کند. آیا امکان دارد که بشر، روزی از این معجزه دریایی استفاده کند و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها... (۳۴۱)؟

۱) نورانی	۲) شکسته	۳) آویزان	۴) ساختگی	۱ ۳۳۷
۱) می‌گوید	۲) تبدیل می‌کند	۳) هم‌زیستی می‌کند	۴) برخورد می‌کند	۲ ۳۳۸
۱) نمی‌تواند	۲) یاد می‌کند	۳) عادت می‌کند	۴) می‌تواند	۴ ۳۳۹
۱) می‌کارد	۲) بی‌نیاز می‌کند	۳) فرستاده می‌شود	۴) جبران می‌کند	۳ ۳۴۰
۱) که استفاده نکنند	۲) که تصمیم بگیرد	۳) که به کار بگیرد	۴) که نشناسد	۱ ۳۴۱

■ متن زیر را با دقت بخوان، سپس مطابق متن به سؤالات جواب بده (۳۴۲-۳۴۸).

در رفتار زنبور عسل شگفتی‌هایی است و دانشمندان، هر روز (چیزهای) بیشتری از آن کشف می‌کنند! زنبور عسل در مکانی که کندوی عسل نامیده می‌شود زندگی می‌کند. تعداد افراد کندو در حدود ده هزار است، و بیشترشان کارگر (ان)ی هستند که در آنجا به دیگران خدمت می‌کنند. در هر کندو، یک ملکه و در حدود هزار (زنبور) نر هستند که به نگهداری او (ملکه) می‌پردازند!

گاهی ملکه حد اکثر تا پنج سال زندگی می‌کند اما کارگران - اگر در فصل زمستان متولد شوند - بیشتر از پنج ماه، - و اگر در فصل تابستان (متولد شوند) - تقریباً پنج هفته عمر نمی‌کنند. کارگران در طول فصل تابستان به تغذیه نرها می‌پردازند، ولی با آمدن زمستان، به خاطر کمبود غذا، اقدام به بیرون راندنشان از کندو می‌کنند.

هرگاه حشره‌ای بیگانه وارد کندوی زنبور عسل شود، کارگران فوراً و بدون هشدار او را می‌کشند! سپس اقدام به پرت کردن لاشه‌اش به بیرون می‌کنند، ولی هرگاه بزرگ باشد، ماده چسبناکی که آن را از درختان خاصی جمع‌آوری می‌کنند رویش می‌اندازند. و اخیراً دانشمندان ویژگی‌ای برای این ماده مشخص کرده‌اند و آن این است که [این ماده] از رشد میکروب‌ها ممانعت می‌کند. این‌ها برخی از آن شگفتی‌هایی است که تاکنون برای انسان روشن شده است.